

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۲

جمعه ۷ خرداد ۱۴۰۰ - ۲۸ مه ۲۰۲۱

انتخابات سالم یعنی این!

کاظم نیکخواه



هر چه در دنیا بگردید نمونه اش را پیدا نمیکنید. فقط جمهوری اسلامی در ایران اسلامی می تواند انتخاباتی با این شفافیت و روشنی سازمان دهد. مثل جوامع غربی تبلیغات و فضا سازی و اینها مطرح نیست. پشت پرده ای در کار نیست. همه چیز روشن و شفاف جلوی چشم شما اتفاق می افتد. رای مخفی نداریم. آدمهای بدون صلاحیت از قبل از انتخابات غربال میشوند و با تیپا بیرون انداخته میشوند. خودی و غیر خودی هم نداریم. پارتی بازی نداریم. نوه خمینی باشید یا رئیس جمهور سابق یا رئیس مجلس اسلامی تا دیروز، یا معاون رئیس جمهور همین امروز یا اصلاح طلب تا مغز استخوان کاسه لیس نظام یا حتی ملیجک سابق ولی فقیه. هیچ فرقی نمیکنند. همه را بیرون می اندازیم. رای رای است. انتخابات انتخابات است. مردم باید انتخاب کنند. اما نه رئیس جمهور را. بلکه کفش و کلاه خودشان را. ما هم ولی فقیه هستیم و رئیس جمهور را انتخاب میکنیم. بنابراین در این جامعه انتخابات کاملاً آزاد است. شفاف ترین انتخابات همین است که همه ببینند که چه کسی از جانب چه کسی انتخاب میشود. بعضی ها به این انتصاب میگویند. زیر زبان فارسی و عربی شان خوب نیست. انتصاب مربوط به نصب

است. مثل لوله بخاری یا تیر چراغ برق. اما انتخاب مربوط به نخب است. نخب عربی است. نصب هم عربی است. همه را من میدانم نه شما. از نظر لغوی وقتی که من کسی را از قبل انتخاب کرده ام و ناخالصی ها را هم کنار زده ام و همه میدانند که من انتخاب کرده ام این انتخاب است. جمعش هم میشود انتخابات. همیشه هم به همین گونه بوده است.

آنقدر این انتخابات سالم است که قبل از اینکه صندوق رای برپا شود و رای داده شود همه مردم به چشم می بینند و می دانند که نفر بعدی که انتخاب شده است کیست. کجای دنیا این را سراغ دارید؟ در کشورهای دیگر همه چیز مخفی است. اینجا علنی و شفاف است. در جاهای دیگر یک روز رای گیری میشود. چند روز رای شماری میشود و سر آخر یکی را معرفی میکنند. اینجا بدون این تشریفات و هزینه کردنها ما از قبل به مردم می گوییم که چه کسی انتخاب شده است. این موثرترین و سر راست ترین و آزادانه ترین و اسلامی ترین و خدایی ترین انتخابات است. کسی هم که انتخاب میشود معلوم است که برنامه اش برای جامعه چیست. همانست که ما از قبل گفته ایم. خودش از خودش چیزی

در این شماره انترناسیونال:

انتخابات سالم یعنی این! کاظم نیکخواه

درباره ادامه کمپین دفاع از برادران افکاری. حسن صالحی

انحطاط یا اقتدار؟ سیاوش مدرسی

جایگاه و اهمیت حزب و تحزب برای طبقه کارگر. حمید تقوائی

کنفرانس سازمان جهانی کار و خواست اخراج جمهوری اسلامی. گفتگو

با شهلا دانشفر

چه کسانی مسئول خودسوزی بهزاد محمودی هستند؟ ژینو ابراهیمی

خبر اعلام آغاز بکار بنیاد "ستار بهشتی" در برنامه تلویزیونی مینا احدی

از مدیای اجتماعی حزب

اطلاعیه های حزب

شماره صفحه:

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴، ۵ و ۶
- ۷ و ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱ و ۱۲
- ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷

به تن ما نباشد. اگر در جنگ با مردم برنده شدیم که کمی تردید و انشکاک وجود دارد. در آن صورت همه دنیا را ما با این روش تسخیر خواهیم کرد. و السلام ..

گسترش دهیم. از عراق و یمن و لبنان شروع میکنیم و کم کم اگر خدا و مردم به ما فرصت بدهند انشالله به سراسر دیار غرب هم سرایت می دهیم. خدا البته به ما لطف دارد. اما مردم برعکس میخواهند سر

نبايد اختراع کند. هر چه ما میگوییم را نعل به نعل انجام میدهد. اینهم از مزایای این سیستم اسلامی ماست. و در جای دیگری وجود ندارد. ما این سیستم را میخواهیم به همه دنیا تسری دهیم. یعنی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

در باره ادامه کمپین دفاع از برادران افکاری



انعکاس وسیع و گسترده ای داشت.



حسن صالحی

تاکنون بسیاری از داخل و خارج کشور با ارسال پیام تصویری و صوتی با برادران افکاری اعلام همبستگی کرده و خواستار آزادی آنها شده اند. متن نامه ای که از سوی شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در این مورد به زبان انگلیسی نوشته شده بود به بسیاری از نهادهای حقوق بشری در دنیا و دولتها ارسال شد و از این طریق از جهانیان خواسته شد که به رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی با این دو زندانی سیاسی قویا اعتراض کنند.

ما حتی در آستانه اجلاس سازمان جهانی کار با ارسال یک نامه اعتراضی از سوی شهلا دانشفر از طرف کمپین برای آزادی کارگران زندانی رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی با این دو برادر را که یکی گنج کار و دیگری جوشکار است مورد توجه قرار دادیم و گفتیم که این پرونده مشخص نیز شاهد دیگری است که چرا باید جمهوری اسلامی از مجامع جهانی و بطور مشخص سازمان جهانی کار اخراج شود. بعلاوه در دیداری که هیئتی از کمیته بین المللی علیه اعدام مرکب از ضرعغام اسدی، هرمز رها و حسن صالحی با دو تن از مسئولین وزارت امور خارجه سوئد داشتند مسئله برادران افکاری مورد توجه قرار گرفت و خواهان انجام اقداماتی از سوی آنها جهت فشار آوردن بر جمهوری اسلامی برای آزادی این دو زندانی سیاسی شدیم. بعلاوه با تلاش های پریسا پوینده مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، حزب پارلمانی کارگر هلند قول مساعد داده است که وضعیت زندانیان سیاسی و حبیب و وحید افکاری را پیگیری کند. در شبکه توئیتر نیز به همت همه شما و تلاشهای بی وقفه خالد ناصری از مسئولین کمیته بین المللی علیه اعدام روز ۲۱ مه با اعلام

خواست پافشاری کنند. در سطح جهانی ما تلاش خواهیم کرد که با دیدار با نمایندگان دولتها، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمانهای شناخته شده مدافع حقوق بشر در سطح جهان از آنها بخواهیم که بطور متمرکز برای آزادی برادران افکاری تلاش کنند. از کاربران شبکه های اجتماعی در اینترنت می خواهیم که موضوع اسارت برادران افکاری و رفتارهای ضد انسانی جمهوری اسلامی به آنها را همچنان زنده نگه دارند و از مردم جهان به زبانهای مختلف بخواهند که به دفاع از این برادران برخیزند.

کرده اند و در اعتراض روز جهانی ۲۲ مه نیز مشارکت فعالی داشتند. ما همچنین همه کمپین ها و کارزارهای دیگر که هم اکنون حول مواردی مشابه جریان دارند را فرا می خوانیم به دفاع و پشتیبانی فعال از یکدیگر برخیزند. اینها جویبارهایی هستند که می توانند یکی شوند و در بستر واحدی با قدرت بیشتری حکومت جنایتکاران اسلامی را مورد تعرض قرار دهند. ما از خانواده افکاری درخواست داریم که قدم جلو بگذارند و از جهانیان بخواهند که پس از قتل ظالمانه نوید اجازه ندهند حبیب و وحید نیز به همان سرنوشت دچار شوند. تجربه نشان داده که حضور خانواده های زندانیان سیاسی در کمپین های مبارزاتی برای آزادی عزیزانشان اهمیت بسزایی در پیشرفت و موفقیت این کارزارها دارد. ما از وکلای مترقی و انسان دوست می خواهیم که در زمینه حقوقی به پرونده این دو زندانی سیاسی کمک لازم را بکنند. ما در همان حال از همه می خواهیم که در اعتراضات علیه جمهوری اسلامی خواست آزادی وحید و حبیب افکاری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را فریاد بزنند و با برگزاری تجمع و اعتراض در مقابل درب زندانها بر این

یک توفان توییتری دیگر روز جهانی برادران افکاری به همه یادآوری شد و هشتگ نجات برادران افکاری به دومین ترند در میان توییت های فارسی تبدیل گردید.

سؤال این است که گامهای بعدی در کمپین دفاع از برادران افکاری چه باید باشد؟ ما می کوشیم در جبهه های مختلف مبارزه، به تلاش برای آزادی برادران افکاری ادامه دهیم. از شما می خواهیم که به انتشار ویدئو کلیپ های خود در شبکه های اجتماعی در حمایت از برادران افکاری همچنان ادامه دهید. این بسیار اهمیت دارد که نویسندگان، هنرمندان و افراد سرشناس در ایران و جهان با ارسال پیام از این کمپین و آزادی برادران افکاری حمایت کنند. ما همچنین همه احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را فرا می خوانیم که از این کمپین دفاع کنند و در فعالیتهای این کارزار فعالانه مشارکت نمایند. این کمپینی است در دفاع از زندانیان سیاسی و برقراری وسیعترین آزادیهای سیاسی در کشور و از این رو به همه تعلق دارد. از میان احزاب سیاسی تاکنون حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان این حزب رسماً از این کمپین پشتیبانی

از تاریخ ۹ مه ۲۰۲۱ که کمپین دفاع از برادران افکاری از سوی سه نهاد یعنی کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و همینطور کمپین برای آزادی کارگران زندانی اعلام موجودیت کرد، تلاش برای آزادی وحید و حبیب افکاری شدت بیشتری یافته است. ویژگی هر کمپینی این است که بر موضوع معینی متمرکز می کند و توجه همگان را بدان جلب می نماید. پیام صوتی وحید افکاری از زندان که در آن گفته بود "من بیگناهم" و از مردم درخواست کمک کرده بود انگیزه ای شد تا ما بتوانیم با تمرکز ویژه پرونده این دو برادر را در سطح جهانی مطرح کنیم و خواهان آزادی آنها شویم.

خوشبختانه این کمپین و تلاش متمرکز برای نجات برادران افکاری با استقبال خوبی از سوی مردم در ایران و جهان روبرو شد. در روز ۲۲ مه که ما بعنوان روز جهانی در دفاع از برادران افکاری اعلام کرده بودیم در ۱۳ شهر دنیا یعنی استکهلم، لندن، کلن، فرانکفورت، مالمو، بوروس، آمستردام، اشتوتگارت، ووپرتال، هانوفر، تورنتو، ونکوور و کپنهاگ به فراخوان ما پاسخ مثبت داده شد و مردم به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند و با دادخواهی خانواده افکاری همراهی کردند و خواست آزادی وحید و حبیب افکاری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را سر دادند. این اعتراضات با پوشش خوب رسانه های فارسی زبان روبرو شد و در شبکه های اجتماعی

ما شک نداریم که با یک کار متحدانه و هماهنگ می توانیم قدم های موثری در جهت آزادی وحید و حبیب افکاری و همه زندانیان سیاسی برداریم. پیروزی از آن ماست اگر متحد و همبسته در مقابل رژیم به نفس افتاده جمهوری اسلامی قد علم کنیم.

حسن صالحی - هماهنگ کننده کمپین دفاع از برادران افکاری

۲۶ می ۲۰۲۱

شماره تلفن: 0046703171102
ایمیل: hasan.salehi2000@gmail.com

جایگاه و اهمیت حزب و تحزب برای طبقه کارگر

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

انحطاط یا اقتدار؟!



جایگاه و اهمیت حزب و تحزب برای طبقه کارگر

باسخ خلیل کیوان و حمید تقوایی



سیاوش مدرسی

سیاست و تحولات تبدیل شده است.

این در یک سطح کلی برای همه اقشار و طبقات صادق است ولی برای طبقه کارگر حزب و تحزب چندین مرتبه بیشتر ضرورت و اهمیت پیدا میکند. طبقه کارگر تنها با تغییرات رادیکال و بنیادی و با زیر و رو کردن وضع موجود میتواند به قدرت برسد و به همین دلیل به حزب برای سازماندهی انقلاب و برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار نیاز دارد.

نکته مهم دیگر این است که فرهنگ حاکم بر جوامع، فرهنگ طبقه حاکمه است. گرایشات و تعصبات و نحله های فکری مذهبی و ناسیونالیستی و خاک و میهن پرستی و غیره جزو داده شده های جوامع حاضر است. از وقتی افراد در جوامع امروزی چشم باز میکنند با ناسیونالیسم و تعصبات و تابوهای ملی میهنی و مذهبی بزرگ میشوند. سیاستمداران طبقات حاکم که به این تعصبات متکی هستند، بخصوص به ناسیونالیسم و به مذهب که امروز در جامعه ایران بیداد میکند، شاید نیاز چندانی به تحزب نداشته باشند. ممکن است امر اینها با توجه به فرهنگی که در جامعه بسط داده اند با یک شخصیت و با ائتلاف و سازش با یکدیگر بگذرد و بتوانند در قدرت

ادامه در صفحه ۴

کلی باید گفت حزب و حزیت یک خصیصه جامعه مدنی است. در جوامع قرون وسطائی حزب معنائی نداشت بخاطر اینکه قدرت سیاسی در انحصار اشراف بود. بین سران اقوام و خانواده های اشرافی و لردها و خان ها و دوک ها و غیره رقابت و کشمکش و جنگ برای دستیابی به قدرت و تاج و تخت جریان داشت و تکلیف قدرت سیاسی به این ترتیب تعیین میشد. خواست و رای مردم در این کشمکشها نقشی نداشت.

در جوامع مدنی سیاست از انحصار اشراف و زمینداران خارج میشود. سلسله های پادشاهی بزیر کشیده میشوند و جای خود را به جمهوری میدهند. پارلمان و انتخابات وارد سیاست میشود، و بخشهای مختلف طبقه حاکمه اساسا برای رسیدن به قدرت در اکثر موارد و در شرایط متعارف بجای توطئه و ترور و جنگ با یکدیگر به انتخابات و مبارزات پارلمانی متکی میشوند. البته در جوامع امروزی هم پدیده کودتا و ترور مخالفین و جنگ داخلی هنوز وجود دارد ولی تنها در موارد استثنائی و بحرانی اتفاق میافتد. به این ترتیب تحزب و مبارزه حزبی اساسا در جوامع مدرن و مدنی و در رابطه با قدرت سیاسی معنی پیدا میکند. عینا مثل مطبوعات و رسانه ها که در جوامع قرون وسطی جایگاهی نداشت و در جوامع امروز به یک رکن

خلیل کیوان: تجارب تاکنونی جهان چه در گذشته و چه در دوران حاضر نشان داده است که انقلابات بدون حزب سیاسی پیشرو پیروز نمیشوند. آیا اکنون که انقلاب در ایران، نه فقط یک ضرورت، بلکه محتمل ترین و تحول در اوضاع است، جایگاه و اهمیت حزب سیاسی انقلابی درک شده است؟ آیا اکنون که سخنگویان احزاب و جنبش های سیاسی اعم از چپ و راست، از قریب الوقوع بودن تحول چپ و سوسیالیستی در ایران صحبت میکنند و بر نقش و جایگاه کلیدی و تعیین کننده طبقه کارگر در تحولات تاکید دارند، فعالین جنبش کارگری به ضرورت تحزب سیاسی توجه لازم را دارند؟ آیا صرفا مساله امنیتی مانع پیوستن وسیع فعالین سیاسی اجتماعی به احزاب انقلابی است؟ آیا در ذهیت و در عمل فعالین کارگری و فعالین اجتماعی ضرورت پیوستن به حزب سیاسی انقلابی بحد کافی برجسته شده است؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

پرسش اول من اینست که در یک سطح عمومی و کلی حزب و تحزب در جوامع امروزی چه جایگاهی دارد؟ و مشخصا اهمیت و ضرورت تحزب برای طبقه کارگر از کجا ناشی میشود؟

حمید تقوایی: در یک سطح

ایران و پنج نفر همشان آنها را به پیش صحنه رانده اند تا بیرحمی و قساوت یک سلاح، اقتدار نظامشان را حفظ کند همانطور که در کشتار سالهای ۶۰ و ۶۸ حفظ کردند.

اعتراض خودی هایشان را ممنوع اعلام کرده اند! هیچ اهمیتی به حفظ چهره به اصطلاح دمکراتیک برای دلخوشی عقب مانده ترین پس مانده های تحولات سیاسی در ایران را هم ندارند!

قرار است در استقبال از توفان جلا، قوه قضائیشان عقربه های تاریخ را عقب کشند تا به خودی هایشان روحیه دهند و نوید "اقتدار!" اقتداری که بیشتر نماینگر استیصال همه آنهاست!

توفان اعتراضی میلیونها کارگر و زن و مرد، پیر و جوان حکم به سرنگونی نظام سیاه اسلامی داده اند و دست و پا زدنهای احمقانه امثال خامنه ای و روحانی اقتدار نظامشان نیست! مضحکه استیصال آنها است!

جامعه در غلیبان و التهاب دفع فضولات تلنبار شده قرن ها جهل و فریب و بیداد است!

گلوله هایی که در آبان سرخ جامعه را به خون کشید، تیر خلاص بر پیکر گندیده نظامی بود که جز مرگ، اندوه، اعدام و چپاول برای نسل ها در ایران و منطقه به ارمغان نیاورده است. فشار جامعه شیرازه کار حاکمیت را از هم دریده است!

سران رژیم سیاه اسلامی بهتر از هر به اصطلاح فعال سیاسی و اجتماعی که هنوز در بدر در بین پس مانده های این سیستم بدنبال فریب کاری به اصطلاح اصلاحات میگردند، فشار بر بدنه دستگاه سرکوب را حس میکند. کار به جایی رسیده که تمام چهره های تبهکار و مافیایی حکومتی که ۴۲ سال بازجویی کردند، شکنجه کردند، تیر خلاص زدند و به دارکشیدند، ترور کردند و دزدیدند بی اعتمادیشان به یکدیگر را اعلام میکنند، همدیگر را مسبب فاجعه و نابودیشان اعلام میکنند، حتی صورت ظاهر را هم دیگر حفظ نمی کنند، همدیگر را حذف میکنند و همزمان هیچ توهمی نسبت به توفانی که احاطه شان کرده ندارند خوب میدانند که سینه به سینه مردم ایستاده اند!

یک جلا د حرفه ای را در رقابت با رئیس زورخانه های

ادامه از صفحه ۳

» طبقه کارگر از هر نظر خلاف جریان است. اگر طبقات دیگر میتوانند با اتکا به فرهنگ عمومی که خودشان در جامعه اشاعه داده اند در سیاست نقش بازی کنند طبقه کارگر چنین امکانی ندارد و باید با تمام تعصبات و تابوها و دیدگاههای ناسیونالیستی- مذهبی بجنگد و آنها را کنار بزند تا بتواند در سیاست موقعیتی پیدا کند. به همین خاطر کاملا احتیاج دارد به حزب و حزب هست که طبقه کارگر را در عرصه سیاست نمایندگی میکند. این امر برای همه جوامع امروزی صادق است و بخصوص در جامعه ای مثل جامعه ایران حزب برای رهایی و آزادی طبقه کارگر اهمیتی حیاتی دارد. «

سیاسی جایی داشته باشند.

ولی برای طبقه کارگر اینطور نیست. طبقه کارگر از هر نظر خلاف جریان است. اگر طبقات دیگر میتوانند با اتکا به فرهنگ عمومی که خودشان در جامعه اشاعه داده اند در سیاست نقش بازی کنند طبقه کارگر چنین امکانی ندارد و باید با تمام تعصبات و تابوها و دیدگاههای ناسیونالیستی- مذهبی بجنگد و آنها را کنار بزند تا بتواند در سیاست موقعیتی پیدا کند. به همین خاطر کاملا احتیاج دارد به حزب و حزب هست که طبقه کارگر را در عرصه سیاست نمایندگی میکند. این امر برای همه جوامع امروزی صادق است و بخصوص در جامعه ای مثل جامعه ایران حزب برای رهایی و آزادی طبقه کارگر اهمیتی حیاتی دارد.

و استراتژی حزب کارگری است. طبعاً بخش اعظم کادرها و اعضای حزب طبقه کارگر از کارگران خواهند بود ولی حزب بسیار گسترده تر از این است. همانطور که منظور ما از دولت کارگری یا حکومت کارگری این نیست که فقط کارگران حکومت میکنند، حزب کارگری هم به این معنی نیست که فقط کارگران به عضویت پذیرفته میشوند.

کارگر، جایگاهی در ذهنیت مردم ندارد و آنرا امری فرمال و لازم میدانند.

مجموعه این شرایط سیاسی باعث شده است که با وجود اینکه از نظر فضای سیاسی و سطح مبارزات و جنبشهای اعتراضی چپ و کمونیسم جایگاه برجسته ای پیدا کرده است به همین نسبت شاهد گسترش تشکیلاتی سازمانی احزاب و روی آوری جامعه به تحزب نباشیم.

کس میدانند همسایه اش عضو یا طرفدار چه حزبی است. این را در بقیه مناطق ایران نمی بینید چون آن سابقه و توازن قوا را ندارند.

به نظر من عامل اصلی این وضعیت سرکوب و اختناق و مقابله دولت با تحزب است. این امر باعث شده است یک نوع تفکر و گرایش و فلسفه سیاسی در جامعه شکل بگیرد که گویا مبارزه مستقل از احزاب یک فضیلت و یک ارزش است. این گرایش یکی از عوارض جانبی دیکتاتوری و اختناق و انجماد سیاسی است.

در یک سطح عمومی تری در حکومتهای دیکتاتوری تحزب حتی برای طبقه حاکمه هم به امری غیر ضروری و فرمال و قرمابیشی تبدیل میشود. میدانید که پارلمان در ایران همیشه، بجز دوره های خیلی کوتاهی، تابع و زائده ای از "منویات" شاه یا ولی فقیه بوده است و به همین دلیل مبارزه پارلمانی و احزاب پارلمانی نیز محلی از اعراب نداشته اند.

یک نتیجه این شرایط اینست که حزب و حزبیّت بطور عمومی، و نه فقط حزب طبقه

امسال بود، جنبش دادخواهی و اعتراضات رادیکال مادران خاوران و مادران آبان و غیره، و بویژه پیشرویهای چشمگیر جنبش کارگری، اینها در خلاء اتفاق نیفتاده اند. در یک سطح فراگیرتر عمومیت پیدا کردن گفتمان چپ و رادیکال در برخورد به مسائل مختلف اجتماعی، اشاعه سرنگونی طلبی و گفتمان انقلاب علیه کلیت حکومت، بدون احزاب انقلابی چپ و کمونیست رخ نمیداد.

اما بطور مشخص چرا این واقعیت به شکل گفتمان حزب و تحزب و صورت پیوستن به حزب عمومیت پیدا نمیکند - گرچه شاهدیم که کم کم دارد اشاعه می یابد - مشخصاً به شرایط اختناق و سرکوب و بار سنگین امنیتی فعالیت حزبی ربط پیدا میکند. فرض کنید در خود ایران در منطقه ای مثل کردستان که سابقه مبارزات چپ طولانی تر و گسترده تر است و مشخصاً بر سرستم ملی همیشه احزاب و نیروهای کمونیست فعال بوده اند حزبیّت خیلی جا افتاده تر و عادی تر از مناطق دیگر است. برای مردم کردستان خیلی عادی است که عضو یک حزب اپوزیسیون باشند. هر

خلیل کیوان: در شرایط امروز در ایران گفتمان انقلاب و اداره شورایی و حکومت سوسیالیستی بیش از پیش برجسته میشود. تا جایی که از سخنگویان راست هم می شنویم آینده ایران سوسیالیستی است. و یا کارگران هفت تپه را بعنوان آلترناتیو معرفی میکنند. اما بنظر نمیرسد با همین سرعت جایگاه حزب سیاسی طبقه کارگر برجسته شده باشد. بنظر میرسد شکافی در ذهنیت و عمل فعالین با شرایط متحول وجود داشته باشد. پیشروی در گفتمان انقلاب و سوسیالیسم و عقب ماندن در اهمیت جایگاه حزب انقلابی. این مساله را چطور میتوان توضیح داد؟

حمید تقوائی: نکته اول این است که در همین پیشروی هایی که شما اشاره کردید احزاب و سازمانهای چپ و کمونیستی نقش داشته اند. تحولاتی نظیر فراگیر شدن گفتمان اداره شورایی و یا مطرح شدن آینده سوسیالیستی و یا حتی شکل گیری و پیشرویهای جنبشهای ضد تبعیض و برابری طلبانه نظیر جنبش رهایی زن که یک نقطه اوجش هشت مارس

میدانید که دولت کارگری یک حکومت شورایی است و این شوراها همه مردم را در بر میگیرند. به این معنی کل جامعه در دولت کارگری سهیم است. صفت کارگری به این معناست که تنها طبقه ای که میتواند چنین دولتی را تشکیل بدهد، و میخواهد و منافعش ایجاب میکند که چنین کند، طبقه کارگر است. و تنها احزابی این امر را دنبال میکنند که خواست و اراده سیاسی طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. احزاب غیر کارگری خواهان دولت شورایی و شرکت مستقیم مردم در سیاست و اداره جامعه نیستند و از پارلمان فراتر نمی روند.

حزب کارگری یعنی حزبی

حمید تقوائی: وقتی از حزب طبقه کارگر صحبت میکنیم منظورمان این نیست که اعضای حزب همه کارگر هستند. کارگری بودن معنی مکانیکی و فیزیکی ندارد. کارگری بودن حزب یعنی مضمون سیاستها و اهداف

ادامه از صفحه ۴

وقتی از حزب طبقه کارگر صحبت میکنیم منظورمان این نیست که اعضای حزب همه کارگر هستند. کارگری بودن معنی مکانیکی و فیزیکی ندارد. کارگری بودن حزب یعنی مضمون سیاستها و اهداف و استراتژی حزب کارگری است. طبعا بخش اعظم کادرها و اعضای حزب طبقه کارگر از کارگران خواهند بود ولی حزب بسیار گسترده تر از این است. همانطور که منظور ما از دولت کارگری یا حکومت کارگری این نیست که فقط کارگران حکومت میکنند، حزب کارگری هم به این معنی نیست که فقط کارگران به عضویت پذیرفته میشوند.

که افق و اهداف و سیاست و استراتژی طبقه کارگر را برای رهایی کل جامعه و برای اینکه مردم بتوانند در یک جامعه بری از هر نوع تبعیض و آزاد و برابر و مرفه زندگی کنند، نمایندگی میکند و در چشم انداز جامعه قرار میدهد. این افق کارگری است. این امر طبقه کارگر است. امری که سوسیالیسم و کمونیسم نامیده میشود. احزاب کمونیست این پرچم را بلند میکنند و در ایران نیز حزب کمونیست کارگری این پرچم را در دست دارد.

مدتها قبل از اینکه بحث شوراها مطرح شود و در جامعه عمومیت پیدا کند حزب ما در برنامه یک دنیای بهتر شوراها توده مردم را به عنوان رکن و پایه حکومت کارگری معرفی میکند. ما حزب شوراها هستیم و تمام جامعه و تمام فعالین و تمام کسانی که هیچ نوع حکومت مافوق مردم را نمیخواهند و واقعا قلبشان برای آزادی و برابری و رهایی از استثمار و از سرکوب و از هر نوع تبعیض می تپد را به حزب فرامیخوانیم. ما هیچ شرط متمایز اساسنامه ای برای عضوگیری از کارگران و غیر کارگران نداریم. هرکس برنامه یک دنیای بهتر را قبول داشته باشد و بخواهد برای هر بندی از این برنامه مبارزه و فعالیت کند به حزب ما خوش آمده است. به این معنی حزب کمونیست کارگری حزب ۹۹ درصدی ها است. کارگری بودنش بجز برنامه و سیاست و استراتژی طبقه کارگر معنایی ندارد.

خلیل کیوان: مشخصا در مورد حزب کمونیست کارگری پرسشی دارم ولی قبل از آن اجازه دهید این سؤال را مطرح کنم که آیا نیاز به حزب انقلابی صرفا در مبارزه برای سرنگونی است یا در پس سرنگونی جمهوری اسلامی هم به حزب انقلابی نیاز هست؟

حمید تقوائی: به نظر من حزب انقلابی طبقه کارگر وظیفه اش با خلع ید از بورژوازی، که در

مستقل از اینکه چه مذهب و ملیت و قومیتی دارند و یا به آن منسوب شده اند و غیره و غیره. بر سر همه اینها جنبشهای اعتراضی گسترده ای در جامعه جریان دارد. آیا حزبی را میشود سراغ کرد که جزو برنامه و استراتژی اعلام شده اش از ده ها سال پیش و قبل از اینکه جامعه به این جنب و جوش بیفتد همه این اهداف را اعلام کرده باشد و مستمرا برای تحقق اش مبارزه کرده باشد؟ آیا حزبی را میشود یافت که پیگیرانه خط استحاله و سازش با رژیم را افشا کرده باشد و مستمرا بر ضرورت و مطلوبیت انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مبارزات مردم تاکید کرده باشد و حتی برآمده ی توده ای از ۱۸ تیر ۷۸ تا آبان ۹۸ را فرازهایی از "جنبش سرنگونی" نامیده باشد؟ بله چنین حزبی هست: حزب کمونیست کارگری ایران.

امروز در جامعه از یک نوع سوسیالیسمی صحبت میشود که حزب ما پرچمدار آن است. یعنی یک سوسیالیسم عمیقا انسانی و خواستار رهایی همه نود و نه درصدی ها. سوسیالیسم دخالتگر

ادامه در صفحه ۶

خلیل کیوان: به شرایط امروز برگردیم. ما اینجا از حزب و تحزب بطور عام صحبت نمیکنیم، از تحزب در شرایط ایران، از احزاب فعلی صحبت میکنیم. شما لیدر حزب کمونیست کارگری هستید و بالطبع این حزب را برای رهبری انقلاب مناسب میدانید. چرا؟

حمید تقوائی: به نظر من باید به تجربه رجوع کنیم. من نمیخواهم در پاسخ به این سؤال شما به بحث و استدلال تحلیلی و نظری بپردازم. از نظر سیاسی و بطور واقعی الان در جامعه جنبشهای اعتراضی گسترده ای جریان دارند. انقلاب در چشم انداز است و این را دیگر تنها حزب ما نمیگوید بلکه یک گفتمان عمومی در کل جامعه است. علیه اعدام، علیه آپارتاید جنسی، علیه فقر و فلاکت و دستمزدهای یک پنجم خط فقر، برای دادخواهی جانباختگان و برای آزادی زندانیان سیاسی، برای بهداشت و درمان و تحصیل رایگان، برای جدائی مذهب نه تنها از دولت و قوانین بلکه از زندگی اجتماعی، برای به رسمیت شناسی حقوق بخشهای مختلف جامعه

بهداشت و درمان و غیره و غیره پیاده میشود، بر سر همه اینها احزاب نظرات مختلفی دارند. نقش حزب کمونیست کارگری در آن شرایط اینست که سیاستهای سوسیالیستی خود را به خط و جهت حاکم بر شوراها تبدیل کند. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی فضا برای ایفای نقش همه احزاب باز میشود و شوراها ظرف و محمل فعالیت احزاب مختلف خواهند بود. در جامعه رها شده از سلطه دیکتاتوری ها در صد سال اخیر احزاب نقش تعیین کننده ای خواهند داشت و در آن شرایط بخصوص نقش حزب انقلاب طبقه کارگر کاملاً حیاتی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی مخالفت و مقاومت احزاب غیر کارگری در برابر تغییرات اساسی ای که کارگران میخواهند ایجاد کنند تمام نمیشود. ممکن است شکلش عوض شود ولی همچنان ادامه پیدا میکند. از این نظر هم حزب طبقاتی کارگران بعد از سرنگونی حکومت همچنان ضرورت و نقش تعیین کننده خود را حفظ میکند. باید این پرچم را برافراشته نگه داشت تا جامعه بتواند از قید تمامی تبعیضات و استثمار و بردگی مزدی رها بشود.

ایران مشخصا پیش شرط سرنگونی جمهوری اسلامی است، تمام نمیشود. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی احزاب و نیروهای سیاسی مختلفی فعال خواهند بود که سیاستها و اهداف متفاوتی را دنبال میکنند. احزابی که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی میخواهند فعالتر از گذشته در سیاست نقش ایفا کنند و در قدرت سیاسی سهم داشته باشند. این احزاب از طریق شوراها - که فرض ما با عبارت بهتر تلاش ما اینست که در روند انقلاب تشکیل شده باشند - در سیاست دخالت میکنند. همانطور که اشاره کردم ما خواهان حکومت شورائی هستیم ولی این امر به این معنی نیست که شوراها جای احزاب را بگیرند. همانطور که پارلمان آلترناتیو احزاب نیست در حکومت شورائی هم شوراها جانشین احزاب نیستند. شورا شکل و ابزار دخالت مستقیم مردم در سیاست است، ولی مضمون سیاستها را احزاب مطرح و نمایندگی میکنند. این که چه نوع سیاست اقتصادی، چه نوع سیاست خارجی، چه سیاستی در رابطه با مسائل مختلف اجتماعی نظیر آموزش و پرورش و

ادامه از صفحه ۵

بپیوندید، سیاستها و پلاتفرم های حزب را در دست بگیرید به فراخوانهای حزب جواب مثبت بدهید. همین امروز ما کمپین بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، کارزار آزادی زندانبان سیاسی، کمپین آزادی برادران افکاری، کارزار "رای ما سرنگونی است" را در دستور داریم و به پیش میبریم. در این عرصه ها نقشه عملها و راهکارهای میدانی مشخصی داریم واز همه فعالین دعوت میکنیم به این کارزارها بپیوندند. فراخوان من به همه فعالین این هست که به حزب خودتان به حزب انقلابی طبقه کارگر، به حزبی که میتواند رهائی و آزادی و برابری را برای همه مردم به ارمغان بیاورد بپیوندید تا بتوانیم با قدرت متحد و همبسته خودمان جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و یک جامعه آزاد سوسیالیستی در ایران سازمان بدهیم.

۲۶ مه ۲۰۲۱

حزب کمونیست کارگری تا حد زیادی همین نقش را ایفا کرده است. به همین خاطر من فکر میکنم اهمیت و ضرورت حزب، و مشخصا در شرایط امروز ایران ضرورت حزب کمونیست کارگری، برای هرکس که اندک شناختی از شرایط سیاسی ایران داشته باشد، روشن است. قبل از هر چیز فراخوان من به فعالین جنبش کارگری و همچنین فعالین جنبش های مبارزاتی دیگر روی آوری و پیشبرد سیاستها و راهکارهای حزب است. پیوستن به حزب اساس و بنیاد فراخوان ما است ولی حزیت فراتر از اینست. ممکن است خیلی از فعالین به هر دلیلی از جمله مسائل امنیتی نخواهند عضو حزب بشوند و این با توجه به شرایط سیاسی در ایران قابل درک است. ولی اساس کار پیشبرد سیاستها و راهکارها و فراخوانها و شعارها و کمپینهای حزب است. فراخوان من بخصوص به فعالین جنبش کارگری و فراخوان من به فعالین جنبش های حق طلبانه اینست که به حزب روی بیاورید. عضو حزب بشوید، به حزب خودتان

جایگاه واقعی حزب ما در شرایط امروز ایران است.

خلیل کیوان: آخرین پرسش من اینست: به فعالین کارگری و فعالین جنبش های اجتماعی دیگر چه فراخوانی دارید؟ چرا باید فعالین به حزب بپیوندند؟

حمید تقوائی: فکر کنم توضیحاتی که دادم تا حد زیادی جواب این سؤال را هم روشن میکند. ببینید، کسی قدرت سیاسی را بدست یک جنبش اجتماعی نمیدهد. جنبش کارگری هر چقدر هم پیشروی بکند و هر قدر هم قدرت داشته باشد برای حضور در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی به حزب نیاز دارد. بالاخره وقتی که مساله قدرت سیاسی و تعیین دولت مطرح میشود حزب لازم است. همانطور که گفتم ممکن است طبقات دیگر بدون حزب شانسی داشته باشند، اما طبقه کارگر این موقعیت را ندارد. چون باید در برابر سنتها و تعصبات فرهنگی و عقب ماندگی های سیاسی و فرهنگی در جامعه بایستد.

که به نحوی می خواستند جمهوری اسلامی را حفظ کنند برافراشته است و یا این گرایشات فعالانه مقابله کرده است.

تمامی این فاکتورها، که امروز جزو داده های واقعی مبارزات میدانی مردم هست، نشانه و معرف یک پدیده سیاسی در جامعه است که حزب کمونیست کارگری نامیده میشود. آنچه امروز مردم در خیابانها اعلام میکنند، مثل مقابله با فاصله بین فقر و ثروت با شعار حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، مثل اعلام اینکه دولت مافوق مردم نمیخواهیم، مثل شعار منزلت معیشت حق مسلم ماست، مثل اداره شورائی، این نوع خواستها و شعارها نشان میدهد نوعی از سوسیالیسم در جامعه به گفتمان تبدیل شده که حزب ما مشخصا نمایندگی میکند. یک کمونیسم و سوسیالیسم عمیقا انسانی و رهائی بخش کل جامعه و عمیقا فعال و دخالتگر در همه عرصه های مبارزه علیه هر نوع تبعیض و بی حقوقی. و این نشان دهنده

و فعالی که هر تبعیض و بی حقوقی را به خودش مربوط میداند و علیه اش می جنگد. حزب ما یک نیروی فعال و دخالتگر در جنبش کارگری است و این امر هویتی ما است اما تمام فعالیت ما این نیست. از مبارزه برای حقوق کودک گرفته که حزب ما با پرچم اول کودکان و کودکان مقدمند در سیاست ایران به امری سیاسی و مبارزاتی در ایران تبدیل کرد، تا مبارزه علیه اعدام که حزب اولین حرکتها و کمپینها علیه اعدام را سازمان داد و خوشبختانه امروز به یک جنبش فراگیر تبدیل شده، تا مبارزه بی وقفه علیه آپارتاید جنسی و حجاب اجباری که یک برآمد اجتماعی آن جنبش دختران خیابان انقلاب بود، تا دفاع از پناهندگان و پناهجویان در یک سطح بین المللی و غیره و غیره، حزب ما در تمامی این عرصه ها کارنامه پرباری دارد.

در یک سطح عمومی تر حزب همواره پرچم سرنگونی را در برابر دو خرداد و همه گرایشات مسالمت آمیزی



۵ خرداد - تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت

کنفرانس سازمان جهانی کار و خواست اخراج جمهوری اسلامی گفتگو با شهلا دانشفر



شهلا دانشفر

انترناسیونال: صد و نهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در هفتم ژوئن در ژنو قرار است جریان یابد. اول لطفاً توضیح دهید که کار مشخص این سازمان چیست؟ در اجلاسهای آن چه میگذرد و دستور کار امسال آن قرار است چه موضوعاتی باشد.

شهلا دانشفر: سازمان جهانی کار، آی آل او از زیر مجموعه های سازمان ملل است. سیاست های آن نیز طبعاً تابع این سازمان و دولتهای سرمایه داری جهانی است. به لحاظ تاریخی این سازمان در سال ۱۹۱۹ تاسیس شد و بنا بر ادعا با هدف "تدوین مقررات و قوانین بین المللی در جهت بهینه سازی استانداردهای جهانی کار و حصول اطمینان از بکارگیری آنها" ایجاد شده است. در منشور این سازمان بر نکاتی چون "آزادی بیان و تجمع، حق همه افراد بشر به برخورداری از رفاه مادی و رشد معنوی و فضایی آزد و مطمئن و داشتن امنیت اقتصادی و فرصت های برابر، ارتقاء و واقعیت بخشیدن به استانداردها و اصول اساسی حقوق کاری، ایجاد فرصتهای بیشتر برای زنان و مردان برای دستیابی به استخدام آبرومند، حقوق مکفی و ارتقاء پوششهای اجتماعی و مؤثر برای همه"، تاکید شده است. اما همه اینها فقط قول و وعده هایی در سطح کاغذند.

کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار امسال در سوم ژوئن افتتاح میشود. به دلیل شرایط کرونا این کنفرانس به صورت آنلاین و اینترنتی قرار است برگزار شود. روز

هفتم ژوئن اولیه جلسه عمومی آن برپا خواهد شد. دستور جلسه نشست های اجلاس جهانی سازمان ملل اساساً توسط هیات رئیسه این سازمان تعیین و از قبل اعلام می شود و دولت ها هم میتوانند پیشنهادات خود را بدهند تا بررسی شود. دستور کار اجلاس مشخصی که در ژوئن امسال برگزار خواهد شد شامل یک سند در رابطه با پاسخ ILO به COVID-19، بحث در مورد گزارش های رئیس هیئت رئیسه و دبیر کل سازمان جهانی کار، روز جهانی مبارزه با کار کودکان (10 ژوئن) و گزارش در مورد کار کودکان در کشورهای مختلف، بحث در مورد حمایت های اجتماعی و بالاخره گزارشات مربوط به چگونگی رعایت استانداردهای کار در طول پاندمی بیماری مهلک کرونا در کشورهای مختلف است. وقتی به این مباحث نگاه میکنیم، فرمایشی بودن کار چنین سازمانی بیشتر مقابل چشممان قرار میگیرد. از جمله کارنامه حکومت اسلامی در تمام این عرصه ها سیاه و جنایتکارانه است. یک مورد بارز آن سیاست رژیم ایران در برابر بیماری مهلک کرونا است که بخاطر اهداف کثیف سیاسی اش مردم را دارد قربانی می کند و این پرونده ای پر از جنایت است. نمونه های دیگر آن ابعاد فاجعه بار کار کودکان در ایران و نیز شرایط اسفناک کار زنان است و همه اینها عرصه های چالش حکومت اسلامی توسط مردم در ایران است. اگر این سازمان میخواست به این موارد به طور جدی بپردازد باید از همان ابتدا یقه حکومت کثیف اسلامی را میگرفت که در تمام این زمینه ها کارنامه سیاه و ننگینی دارد.

طبعاً ما انتظاری از سازمان جهانی کار نداریم. بلکه ما اعتراض داریم. ما فشار می آوریم و می کوشیم که این سازمان را به اخراج جمهوری اسلامی از این نهاد و به پایان دادن به مامشات هایش با این رژیم کثیف و جنایتکار و ادار کنیم. حرف ما اینست

که جمهوری اسلامی نماینده کارگران و مردم ایران نیست، بلکه این رژیم سرکوبگر و قاتل مردم است و باید به خاطر همه جنایت هایش در سطح جهانی بایکوت و از سازمان جهانی کار اخراج شود. حرکت اعتراضی ما در سالهای متوالی و حضور مان در برابر اجلاس های سازمان جهانی کار برای رساندن این پیام به همه کارگران و تشکلهای کارگری و مردم جهان بوده است. بدین ترتیب ما توانسته ایم فشار جدی ای بر روی جمهوری اسلامی باشیم. از جمله امروز با ابعاد جنایتکاری های این حکومت و بر ملا شدن هر چه بیشتر آن در سطح جهانی بیش از پیش گفتمان بایکوت جمهوری اسلامی به جلو آمده است. و این پیشروی بزرگی برای ما و برای کارگران و مردم ایران است و با اتکاء به این پیشروی های توانیم قدرتمند تر عمل کنیم.

انترناسیونال: فکر میکنید چنین انتظاری یعنی اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار عملی است و این سازمان حاضر است به آن تن دهد؟

شهلا دانشفر: ببینید همانطور که مردم آفریقای جنوبی در مبارزه خود با رژیم آپارتاید جنسی در آن کشور توانستند سیاست انزوی جهانی این کشور را به دول سرمایه داری جهانی و مراجع بین الملل تحمیل کنند، ما هم قطعاً میتوانیم این سیاست را جهانی کنیم. و جلب حمایت جهانی از این سیاست، یک کارزار مهم ماست. ما بیش از یک دهه است که برای بیرون انداختن جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و انزوی سیاسی آن در سطح جهان مبارزه میکنیم و پیشروی های خوبی هم داشته ایم. اما امروز بر متن اوضاع سیاسی جامعه ایران و انزوی بیش از پیش جمهوری اسلامی در سطح جهان، برای پیشبرد این سیاست و بایکوت جهانی آن در موقعیت قدرتمندتری قرار داریم.

روشن است که سازمان جهانی کار و دول سرمایه داری جهانی به سادگی دست از مماشکاری هایشان بر نمی دارند. چون پشت این زد و بند ها منافع اقتصادی و سیاسی بزرگترین سرمایه داران جهانی خوابیده است. اما نکته اینجاست که جمهوری اسلامی به عنوان ستون فقرات اسلام سیاسی در سطح جهان هر روز منزوی تر میشود. بحران و بن بست بورژوازی جهانی و نزاع هایشان بر سر منافع منطقه ای و سرمایه دارانه شان نیز وضعیت جمهوری اسلامی در منطقه را بی ثبات تر و موقعیت آن را بشدت تضعیف کرده است. بعلاوه این حکومت در افکار عمومی مردم دنیا آنچنان منفور و منزوی است که دولتها و احزاب دولتی برای رابطه با آن باید هزینه زیادی بپردازند و این برایشان ساده نیست.

مردم جهان بدرست جمهوری اسلامی را ستون تروریسم و ارتجاع اسلامی میدانند. بویژه در دو سال اخیر و بعد از کشتار وحشیانه معتزضین آبانماه و بعد نیز سرنگونی هواپیمای مسافربری توسط موشکهای سپاه، و نیز بعد از اعدام نوید افکاری و ربودن و اعدام روح الله زم که هر کدام از اینها شوک بزرگی برای مردم در جهان بود، نفرت و انزجار از حکومت اسلامی را تشدید کرده است.

از سوی دیگر با توجه به وضعیت فاجعه بار امروز خاورمیانه و تبدیل آن به عرصه رقابتهای دول ارتجاعی منطقه در پناه آمریکا و دول سرمایه داری غرب و نقش کلیدی جمهوری اسلامی در دامن زدن به تروریسم اسلامی، بردن گفتمان اینکه سرنگونی حکومت اسلامی یک فاکتور مهم در امنیت منطقه است، برای بسیاری از مردم آزادیخواه قابل فهم و روشن است. بویژه پرونده های جنایی حکومت اسلامی در طول بیش از ۴۰ سال حاکمیتش و مشخصاً در همین دو سال اخیر آنچنان قطور است که ما میتوانیم افکار جهانی را همراه

خود کنیم و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را به دول جهانی و نهادهای بین المللی چون سازمان جهانی کار و سازمان ملل و دیگر مراجع جهانی تحمیل کنیم.

از جمله در همین یکساله اخیر ما شاهد این بودیم که سازمان عفو بین الملل بطور بی سابقه ای در گزارشی تحت عنوان "ویرانگران انسانیت"، گوشه هایی از جنایات حکومت اسلامی در سرکوب جنایتکارانه خیزش مردمی در سال ۹۸ را انعکاس داد و آن را محکوم کرد. این خود نتیجه فشار اعتراضات مردمی برای انزوی جهانی جمهوری اسلامی بود. و باز زیر همین فشار هاست که ما در همین دو سال اخیر شاهد این بودیم که دولتها و نهادهای جهانی ای چون سازمان ملل و شورای حقوق بشر این سازمان و نیز پارلمان اروپا طی بیانیه هایی حکومت اسلامی را بخاطر نقض حقوق انسانی محکوم کردند. همچنین دیوان بین المللی دادگستری (در لاهه) و شمار بسیاری از کشورهای جهان از جمله ۴۷ کشور در یک بیانیه و ۷۹ کشور در بیانیه ای دیگر و دهها نهاد مدافع حقوق بشر نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرده اند.

در متن چنین شرایطی ما نیز با کارزار بایکوت جهانی حکومت اسلامی صدای اعتراض خودمان را بلند تر کرده ایم. حرف ما اینست که صرف ابزار نگرانی نسبت به جنایتکاری های حکومت اسلامی و یا محکوم کردن نقض حقوق انسانی در ایران کافی نیست. رژیم اسلامی در ایران باید به جرم جنایت علیه بشریت محکوم شود. و این ابزار نگرانی کردن ها باید به بایکوت سیاسی، نظامی، ورزشی و فرهنگی تبدیل شود. حرف ما اینست که حکومت اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل و شکنجه گر زنان و مردان و پیر و جوان است

ادامه از صفحه ۷

و باید از کلیه نهادهای بین المللی اخراج شود، سفارتخانه هایش بسته شوند و سران آن پشت میز محاکمه کشیده شوند. و تاکید ما همواره این بوده است که جمهوری اسلامی مثل حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوب در سطح جهان منزوی شود.

کشتیرانی و ساختمانی در استرالیا، حزب چپ سوئیس و چهره های شناخته شده ای چون جان کلارک از کارزار ائتلاف علیه فقر در کانادا، پیتر تاچل از فعالین و کمپینرهای حقوق بشری شناخته شده جهانی و بسیاری از چهره های سیاسی اجتماعی از ایران و از کشورهای مختلف امضا کنندگان بیانیه و قطعنامه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی با خواست سازمان جهانی کار بوده اند. همچنین بیش از ۵۰ چهره و شخصیت شناخته شده سیاسی اجتماعی جهانی بیانیه کارزار جهانی برای بایکوت بین المللی جمهوری اسلامی را امضا کرده اند. من هم یکی از امضا کنندگان این کارزار هستم. بنابراین همانطور که اشاره کردم ما امروز در کشاندن جمهوری اسلامی در سطح جهانی و از جمله اخراج آن از سازمان جهانی کار هستیم. تحقق این امر از نظر من گام مهمی در تسریع سرنگونی حکومت اسلامی است و ما با قدرت آن را به پیش می بریم.

انترناسیونال: نهاد کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو) امسال در آستانه گشایش اجلاس سالانه سازمان جهانی کار نامه ای سرگشاده خطاب به گای رایدر دبیر کل این سازمان ارسال کرده است. چه مسائلی در این نامه مورد بحث قرار گرفت و چه انتظاری از این سازمان دارید؟

شهلا دانشفر: اولین سخن ما در نامه سرگشاده ای که به گای رایدر دبیر کل سازمان جهانی کار نوشته ایم اینست که چرا علیرغم همه جنایاتی که رژیم اسلامی در قبال مردم ایران انجام داده است، بویژه در همین دو سال اخیر که سازمان جهانی کار به دلیل پاندمی کرونا، اجلاسی نداشته است، جنایاتی که هر کدام از آنها کافیسست که حکومتی را پشت میز محاکمه کشید، سازمان جهانی کار سکوت کرده و

به مماشات اش با جمهوری اسلامی ادامه داده است؟ چرا علیرغم اینکه آنها از تمامی سیاست های ضد کارگری و جنایتکارانه حکومت اسلامی در قبال کارگران و مردم ایران اطلاع دارند و از سوی نهاد ما و کارگران در ایران و دیگر نهادهای مردمی در این رابطه مرتباً اطلاع رسانی شده است، واکنشی در قبال این همه جنایت از سوی چنین حکومتی نشان نمیدهند. من به عنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی با این نامه در واقع کیفرخواست کارگران و مردم ایران را علیه جنایات جمهوری اسلامی اعلام کرده و تلاش کرده ام که صدای اعتراض مردم ایران باشم. سوال ما از گای رایدر و این سازمان اینست که تا کی مماشات؟ دیگر بس است! سوال ما از این سازمان اینست که چگونه است که جمهوری اسلامی به عنوان عضوی از سازمان جهانی کار که حتی کنوانسیون های بین المللی آنرا مداوماً زیر پا میگذارد و کارگر را بخاطر اعتراض و یا شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و تلاش برای متشکل شدن زندانی میکند و یا به شلاق میکشد، هنوز عضو این سازمان است؟

و در ادامه تاکید کردیم که این بی تفاوتی و این مماشات گری ها از نظر مردم ایران محکوم و نابخشودنی است. جمهوری اسلامی باید بایکوت جهانی شود و از همه نهادهای بین المللی و همه سازمانهای جهانی اخراج شود. البته بد نیست این را هم اضافه کنم که جدا از این نامه ما در کارزار جهانی ای که در دفاع از برادران افکاری برپا کرده ایم، نامه دیگری به سازمان جهانی کار و اجلاس سالانه آن داده و اعلام کرده ایم که پرونده برادران افکاری و از جمله اعدام نوید افکاری یکی از ادله های آشکار بایکوت جمهوری اسلامی است.

انترناسیونال: آیا برای رسیدن به این هدف فعالین و تشکلهای کارگری دیگر چه کاری توانند بکنند و شما فراخوانتان به آنها چیست؟

شهلا دانشفر: نکته مهمی است. به نظر من یک سرکارزار بین المللی بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج آن از سازمان جهانی کار باید در ایران باشد و کارگران و تشکلهای کارگری فعالان در این جهت تلاش کنند. بطور واقعی نیز نهادها و تشکلهای کارگری در ایران خود سهم بزرگی در این عرصه از مبارزه داشته اند. از جمله بارها شاهد ارسال نامه های اعتراضی از سوی تشکلهای کارگری و چهره های شناخته شده کارگری در ایران به این سازمان به خاطر حضور هیات جمهوری اسلامی

در این سازمان بوده ایم. در این نامه ها کارگران اعلام کرده اند که تشکلهای دست ساز حکومتی مثل شوراهای اسلامی به هیچوجه کارگران در ایران را نمایندگی نمی کنند و خود ابزار سرکوب حکومت در محیط های کار بوده اند. زیر فشار این اعتراضات و نیز فعالیت های خود ما و از جمله حضور هر ساله هیئت حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل اجلاس های سازمان جهانی کار و یا بردن گفتمان اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی و از جمله سازمان جهانی کار توسط کمپین برای آزادی کارگران زندانی، تأثیر مستقیمی بر جلو بردن این گفتمان ها داشته است. در نتیجه این فعالیت ها ما دیدیم که در یکی از اجلاس های سازمان جهانی کار، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اعلام داشت که هیات جمهوری اسلامی کارگران در ایران را نمایندگی نمیکند بلکه نمایندگان واقعی کارگران کسانی چون جعفر عظیم زاده ها و محمد جراحی ها هستند. اینها را اشاره کردم تا جایگاه و اهمیت فشار مستقیم از داخل کشور و از سوی نهادها و فعالین کارگری را توضیح دهم. خصوصاً امروز ما حتی شاهد اینیم که از داخل ایران کارگران و بخش های مختلف کارگری در بیانیه هایشان بر انزوای جهانی جمهوری اسلامی تاکید گذاشته اند و زمزمه های آن شروع شده است. این گفتمان ها باید وسعت یابد و اکنون در آستانه اجلاس سالانه سازمان جهانی کار باید شاهد گسیل بیانیه های اعتراضی کارگری با خواست اخراج جمهوری اسلامی به این سازمان باشیم. و باید این گفتمان وسیعاً در مدیای اجتماعی انعکاس یابد و به خواستی گسترده و سراسری در ایران تبدیل شود.

انترناسیونال: با تشکر از شما

چه کسانی مسئول خودسوزی بهزاد محمودی هستند؟



ژینو ابراهیمی

مقاومت را از دست بدهد. نتواند خود را کنترل کند. در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان (UNHCR) شهر اربیل کردستان عراق اقدام به خود سوزی کرد. بهزاد به مسئولین UN گفته بود اگر جواب منطقی به من ندهید اقدام به خودسوزی خواهم کرد. بی اعتنا به تهدید یک جوان عاصی، بی آنکه بدانند چهار سال به سر دواندن چگونه تعادل روانی او را به بازی گرفته است گفتند برو خودت را بسوزان اما در نزدیک ساختمان ما اقدام به خودسوزی نکن! مبادا دچار خسارت شویم. دورتر، هرکاری می‌خواهی برو انجام بده!

نهاد پناهندگی سازمان ملل که وظیفه اصلی و اساسی اش حمایت از حقوق پناهندگان است چنین سرد و بی اعتنا به او پاسخ داد. همان رفتار غیر انسانی که سالهاست سیاست اصلی و روزمره این نهاد به اصطلاح حامی و مسئول پناهندگان است.

بهزاد ناامید و خشمگین از ساختمان خارج می‌شود. خبرنگاران در محل حاضرند. زمانی که با او مصاحبه می‌کردند مقابل دوربین‌هایشان گفت اقدام به خودسوزی می‌کنم. کسی اعتنا نکرد. گویی فریادی است که نباید شنیده شود. بهزاد بطری برین را روی خود ریخت! انگار

اخطار آخربود. باز هم کسی او را جدی نگرفت. او هنوز جرقه فندکی که در دستش بود را نکشیده بود. فرصت بود که خشم و اعتراض او را جدی بگیرند. آغوش همدردی برایش باز کنند. احساسات جریحه دار شده‌اش را تسکین دهند و خشم او را فرو بنشانند. او را بیشتر از یک خبر، یک سوژه در صفحه حوادث ببینند. اما هیچ اعتنایی ندید! به ناگاه خودش را به آتش کشید! خبرنگاران هم از لحظه به آتش کشیدنش فیلمبراری کردند بی آنکه هیچ اقدامی برای نجات جاننش انجام دهند!

بهر روز به شدت دچار سوختگی شد. اما مانند همه زندگی غمبارش این بار هم کسی به فریادش نرسید. کسی برای رساندنش به بیمارستان عجله‌ای نکرد. بیست دقیقه بعد از خودسوزی با دردی جانکاه و دلخراش در خود پیچید تا به بیمارستان انتقال داده شد. شش روز در بستر دردناک سوختگی با مرگ دست و پنجه نرم کرد و عاقبت ما را با غم نبودنش تنها گذاشت.

بهزاد قربانی سیاست پناهنده ناپذیری کمیساریای پناهندگان سازمان ملل شد، پناهجویی که جان و زندگی‌اش و حقوق پناهندگیش ارزشی نداشت تا دادرسی داشته باشد. حکومت اقلیم کردستان

عراق با بی مسئولیتی و بی اعتنایی عامدانه شریک جرم کمیساریای پناهندگی در اربیل است. بهزاد محمودی نباید خود را به آتش می‌کشید. نباید این داغ سنگین را بر دل خانواده، دوستان و همه هزاران پناهجوی بی پناه در اقلیم کردستان می‌گذاشت.

شرایط غیر انسانی که پناهجویان ایرانی برای فرار از آن اقدام به خودکشی می‌کنند تنها مربوط به کردستان عراق نیست. سازمان ملل سالهاست که عامدانه پناهجویان را در بدترین شرایط ممکن به حال خود رها کرده است.

همین امسال در ترکیه شاهد خودکشی جوان دیگری به اسم بردیا بودیم که عدم رسیدگی به پرونده اش سبب شد به آخر خط برسد و در اوج ناامیدی و یأس دست به خودکشی بزند و جانش را از دست بدهد. چهل و دو سال حاکمیت جمهوری نحس اسلامی میلیونها جوان را چنان در منگنه امنیتی و فقر و تنگدستی قرار داده است که راهی جز گریز از هیولای حکومت اسلامی ندارند. ناچارند آواره و در به در به دنبال سرپناهی امن برای ساختن یک زندگی بهتر و شایسته انسان در راهی پر خطرو بی انتها گام بگذارند. به کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در عراق و ترکیه پناه ببرند. درب بسته‌ای که قرار نیست به روی آنان گشوده شود.

در شرایط اسفبار کنونی، اما تنها یک راه نجات وجود دارد! اعتراض و حق خواهی! مقاومت و ایستادگی برای گرفتن حق پناهندگی و به رسمیت شناخته شدن حقوق پناهندگی. خود سوزی و اقدامات فردی راه مقابله با بی‌عدالتی آشکار و بی اعتنایی عامدانه کمیساریای پناهندگی نیست. نباید سکوت کنیم. تمام قدرت ما در اتحاد جمعی متشکل ماست! سازمان ملل باید و موظف است جوابگوی این بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی نسبت به پناهجویان گریخته از جهنم حکومت‌ها اسلامی باشد.

به دنبال خود سوزی بهزاد، تحصن اعتراضی در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در شهر اربیل برپا شد. اقدامی به جا و مؤثر. اگر قدرت این تحصن و فریاد دادخواهی آن پیش از خودسوزی بهزاد سازماندهی شده بود قطعاً او دست به چنین اقدامی نمی‌زد و یکی از صدها صدای اعتراض به وضعیت فاجعه بار و بی‌حقوقی دردناک پناهندگان ایرانی در اقلیم کردستان عراق بود.

جهان نباید چشمش را بر وضعیت فاجعه بار پناهجویان ایرانی گریخته از هیولای جمهوری اسلامی ببندد. باید سازمان ملل را مکلف به انجام وظایفش کرد.

جهان مملو از بیعدالتی روز سه‌شنبه ۱۸ مه، را با خبری دردناک از شهر اربیل در اقلیم کردستان عراق، با مرگ جوانی ایرانی که خود را به آتش کشیده بود آغاز کرد. جهان وقتی با نام بهزاد محمودی و بی‌پناهی او آشنا شد که خود را به آتش کشیده بود. جوانی ۲۵ ساله که چهار سال پیش از چنگ استبداد حکومت اسلامی به امید اینکه مسیر روشنی برای ادامه زندگی پیدا کند و آینده‌ای مطمئن برای خود بسازد، گریخت و به اقلیم کردستان عراق رفت تا از دفتر سازمان ملل درخواست پناهندگی کند. تا جانش و جوانی‌اش در امان بماند. چهار سال مداوم درب کمیساریای عالی پناهندگی را در شهر اربیل کوبید. اما نه صدایش را کسی شنید و نه فریاد رسی به دادش رسید.

جواب‌های سریالا و بی‌اعتنایی مداوم به دادخواست پناهندگیش وضعیت معیشتی فلاکت‌بار و بلا تکلیفی زجرآور سبب شد که دیگر تاب

اعلام آغاز به کار بنیاد "ستار بهشتی" در برنامه مینا احدی

تقاضا می کند که این تشکل یا بنیاد را معرفی کند.

خانم گوهر عشقی با معرفی این بنیاد و چگونگی ایده بوجود آوردن چنین تشکلی صحبت کرد و در عین حال به مشکلات، تهدیدات و سنگ اندازی های عدیده ای که نیروهای امنیتی در این چند سال ایجاد کرده بودند اشاره نمود. آقای مجید نیکنام در ادامه صحبت های مادر ستار بهشتی به برنامه های این بنیاد، نوع کار و دامنه فعالیت های آن توضیحات مبسوطی داد.



مادر ستار بهشتی می خواهد موجودیت اش را اعلام کرده و آن را معرفی کند می تواند در آینده در مبارزات مردم و کارگران نقش ایفا کند. سپس مینا احدی از مادر ستار بهشتی، خانم گوهر عشقی

که از دوستان خانوادگی و دوست ستار بهشتی هستند. در برنامه امروز قصد داریم خبر مهمی را به اطلاع عموم برسانیم که می تواند در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت شود و این تشکلی را که

مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایستاد، کارگر قهرمان ستار بهشتی در این برنامه حضور دارند و من بسیار خوشحال و هیجان زده هستم که ایشان دعوت ما را پذیرفتند به همراه آقای مجید نیکنام

برنامه "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" برنامه ای است با اجرا و تهیه کنندگی مینا احدی که روزهای سه شنبه هر هفته ساعت ۵ عصر به وقت اروپای مرکزی از شبکه تلویزیونی "کانال یک" پخش می شود.

در برنامه روز سه شنبه ۲۶ ماه مه مینا احدی در شروع برنامه گفت: امروز برنامه ویژه ای داریم و برای من باعث افتخار زیادی است که در برنامه امروز با خانم گوهر عشقی مادر یکی از قهرمانانی که در ایران در



ستار بهشتی متولد ۱ شهریور ۱۳۵۶، کارگر و وبلاگ نویس ایرانی بود که در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و فیس بوک" بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده بود. در مدت بازجویی به شدت شکنجه شد و به دلیل خونریزی ریه، کبد، کلیه و مخچه، در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۱ کشته شد. او در آرامستان رباط کریم (محل زندگی اش) به خاک سپرده شد.

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵



نرگس محمدی بار دیگر به ۱۰ ضربه شلاق و ۳۰ ماه حبس محکوم شد

اعتراض، حق طلبی، آزادی بیان، تحسن از حقوق اولیه انسان هاست که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها به انسانها تعلق نمیگیرد بلکه جرم محسوب میشود، جمهوری اسلامی در طول عمر سراسر فساد و جنایتش تنها با ایجاد خفقان، کشتار و شکنجه پا برجا مانده است. انقلاب زنانه ضمن محکوم کردن این حکومت توحش و سرکوب گر خواستار توقف پرونده سازی و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی است.

از "انقلاب زنانه"

و بی‌شرمانه‌ی ماموران حکومتی در ماجرای تحسن و تبعید غیرقانونی من را که افترا و تمرد از دستور رئیس زندان نامیده‌اند. شکستن شیشه ساختمان ریاست را که در پی دست‌درازی و تعرض وحشیانه‌ی یک گروه از مردان امنیتی، نظامی، قضایی اتفاق افتاد را خسارت نامیده‌اند. مفتضحانه‌تر آنکه من محکوم شدم که مجلس بزم و رقص در زندان برپا می‌کردم. میخواهند ۸۰ ضربه شلاق بزنند و ۳۰ ماه حبس کنند و پول بگیرند. به هیچ کدام از این احکام، گردن نخواهم نهاد.

#نرگس_محمدی، سخنگو و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در ایران در صفحه اینستاگرام شخصی خود درباره حکم جدید خود چنین نوشت: «دیروز ابلاغیه‌ای به‌دستم رسید. حکم دادگاه بود. ۸۰ ضربه شلاق، ۳۰ ماه حبس تعزیری و دو فقره جرمی مالی. اتهامات من تحسن در زندان اوین در سال ۹۸ در اعتراض به کشتار معترضین در خیابان است که اخلال نام نهادند. بیانیه‌هایی که در زندان نوشته بودم که به بیانیه‌ی مبارزه علیه اعدام اشاره کرده‌اند. اطلاع‌رسانی در مورد تعرض‌های وحشیانه

بیانیه انجمن در رابطه با حکم دادگاه عالی انتاریوی کانادا بر عامدانه بودن حمله موشکی به PS752

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰



امروز دادگاه عالی انتاریو در اقدامی بی‌سابقه حمله به پرواز ps752 را اقدامی عمدی و تروریستی دانست. این حکم قدم بلندی برای یافتن حقیقت و اجرای عدالت است و به دولت‌هایی که خواسته‌های خانواده‌ها را دنبال می‌کنند، متذکر می‌شود تا برای پاسخگو کردن جنایتکاران دست به اقدامات جدی بزنند.

حکم امروز مبنی بر عمدی و تروریستی بودن حمله به ps752 برگ دیگری بر یافته‌های بسیار دیگر اضافه می‌کند بر قضاوت خانواده‌ها مبنی بر عمدی و تروریستی بودن حمله صحنه می‌گذارد و بر این خواسته که جمهوری اسلامی ایران باید پاسخگو باشد، مهر تاییدی دوباره می‌زند. انجمن از دولت کانادا می‌خواهد با تصمیمی سریع و با بردن این پرونده به دادگاه بین‌المللی مسیر رسیدن به حقیقت و عدالت را هموار کند.

انجمن خانواده‌های پرواز ps752
۲۰ مه ۲۰۲۱
۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

از هشتم ژانویه ۲۰۲۰، رژیم جمهوری اسلامی ابتدا سه روز دروغ گفت و نقص فنی را علت سقوط اعلام کرد، قبل از اینکه خطای انسانی را بنیان روایتش قرار بدهد. خانواده‌های جانب‌اختگان مکرراً این ادعای بی‌پایه را رد کرده‌اند و آنرا ادامه تلاش جنایتکاران بر سرپوش گذاشتن بر این جنایت باورنکردنی دیده‌اند. بعد از آن کانادا، اوکراین و سایر کشورهای درگیر در رد کردن این روایت به خانواده‌ها پیوستند و سپس گزارشگر ویژه سازمان ملل در قدرت‌های فرافقانونی

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

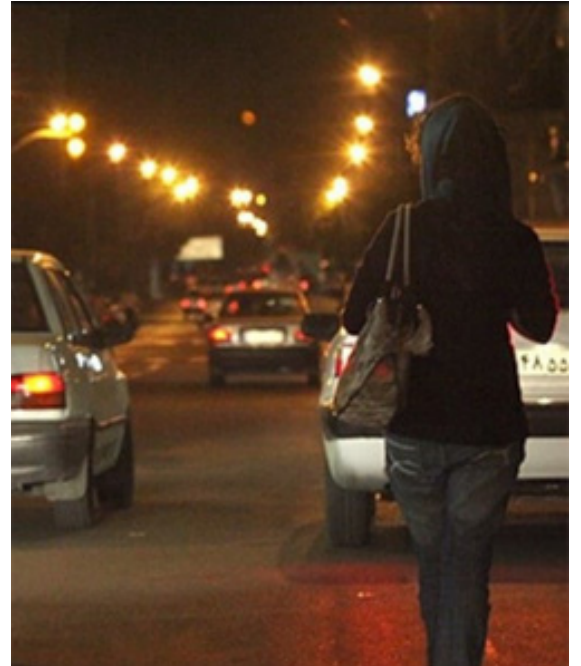
تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۱

گزارش از وسیع‌تر شدن تن‌فروشی زنان در استان مازندران جنبه‌های حقوقی و بین‌المللی محکومیت حکومت تروریست اسلامی در کانادا!



و انگلیس حکم قاضی که از طرف دادگاه عالی تر نقض نشده قانون محسوب میشود. بنابراین حکم دادگاه عالی انتاریو کانادا میتواند از نظر بین‌المللی قانون محسوب شود و مورد استناد قرار گیرد. یعنی میتوان مثلاً در انگلستان هم بر مبنای این قانون از رژیم ایران شکایت کرد و رژیم را به دادگاه کشاند. تا آنجا که من میدانم آلمان هم چنین قانونی دارد، کشورهای دیگر را بی‌اطلاع! سیاشو مدرسی

پذیرفته شده و بر اساس قانون کیفری کانادا برای اولین بار اقدام رژیم ایران را عامدانه و تروریستی اعلام کرد.

امروز ۵ کشور پیگیر این پرونده هستند اهمیت بین‌المللی این حکم این است که حکم دادگاه کانادا در این کشور و کشورها که قانون common law دارند حکم قانون را پیدا میکند (قانونی که حکم هر دادگاه را تا زمانی که از طرف دادگاه عالی تر نقض نشده قانون اعلام میکند) مثل آمریکا

دادگاه عالی اونتاریو کانادا حکم بر عمدی بودن شلیک سپاه به هواپیمای اوکراینی داد و آن را اقدامی تروریستی اعلام کرد.

نکته حقوقی جالب این حکم در اروپا و آمریکا اردشیر زارع زاده حقوقدان از تورنتو به خبرنگار ایران اینترنشنال میگوید که در کانادا دولتها از پیگیری قضایی مصون هستند اما چون رژیم اسلامی ایران در سطح جهان به عنوان دولت حامی تروریسم شناخته میشود و در کانادا

اسلامی محروم شده اند، به تن‌فروشی روی بیاورند. بدون شک هر انسان آزادیخواهی با دیدن این شرایط، حکومت اسلامی را عامل اصلی این موضوع دانسته و اتفاقاتی از این دست آتش خشم مردم را نسبت به رژیم روز به روز بیشتر میکند.

مازندران یکی از استانهایی است که بالاترین نرخ تورم را تجربه کرده و زنان سرپرست خانواده در این استان بیشتر از بسیاری مناطق دیگر تحت تاثیر مشکلات به وجود آمده توسط حکومت اسلامی و جنایتکارانی چون خامنه‌ای قرار گرفته اند و از طرفی توریستی بودن استان مازندران باعث شده پدیده

تن‌فروشی در این منطقه بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کند. بسیاری از زنان سرپرست خانوار برخلاف میل باطنی خود مجبور هستند تن‌فروشی دهند و حال بر هیچکس پوشیده نیست که برای عبور از این تیره روزی‌ها و بهبود وضعیت زنان جامعه ایران، چاره‌ای جز سرنگونی حکومت اسلامی وجود ندارد.

احمد از ایران

در شرایطی که طمع سران حکومت اسلامی برای به یغما بردن سرمایه مردم ایران روز به روز بیشتر میشود و هیچ روزی نیست که خبری از فساد و اختلاس مسئولان حکومت اسلامی به گوش نرسد، مردم ایران در سخت‌ترین شرایط معیشتی به سر میبرند. بدون شک در این شرایط بحرانی، زنان سرپرست خانواده بیش از هر بخش دیگر جامعه فشار اقتصادی را بر روی دوش خود متحمل می‌شوند. در کشوری که اختلاف بین حقوق زن و مرد به طرز بارزی علیه زنان بوده، زنان سرپرست خانواده بیش از هر بخش دیگری از دزدی و ناکارآمدی حکومت اسلامی تحت فشار هستند.

حقوقی که اکثر زنان سرپرست خانواده دریافت میکنند، حتی کفاف اولیه‌ترین نیازها مانند تهیه مسکن و تغذیه مناسب را هم نمیدهد؛ از این رو زنانی که فرزندان خود را در بدترین شرایط تغذیه می‌بینند و از طرف دیگر فشار اضطراب اجاره خانه و دهها مشکل دیگر باعث می‌شود در برخی مواقع این زنان که از اولین و مسلم‌ترین حقوق خود توسط حکومت کثیف

آقای زنگنه نصفی از عمر و زندگی خود را چند می‌فروشید؟

می‌کنند. انحصار مالکیت بر وسایل تولید باید از دست این عده قلیل در آورده شود و در اختیار جامعه قرار گیرد. این اقلیت استثمارگر، مفتخور و بی‌وجدان باید از قدرت پایین کشیده شوند و اداره جامعه بدست تولید کنندگان ثروت بیفتد.

به حکومت ۱ درصد انگل بر ۹۹ درصد جامعه باید پایان داده شود!

جلیل جلیلی

فروش میشود آنهم به قیمتی نازل، این کارگران هستند که ثروت جامعه را تولید میکنند، این کارگران هستند که زندگی شان چپاول می‌شود و این خانواده‌های کارگری است که نصیب شان مشقت و محرومیت است.

به این وضعیت باید پایان داده شود. زندگی تولید کنندگان ثروت، نباید بازیچه دست عده ای مفت خور و انگل بشود که وسایل تولید ثروت را در انحصار خود گرفته اند و از این طریق بر جامعه حکومت

۳۰ سال کار اقماری یعنی ۱۵ سال دوری از خانواده!

نفت و گاز آسان تولید نمیشود، بهایش زندگی ماست!

سنگر تولید را ترک نمیکنیم، ولی از حق خانواده‌هایمان نیز نمی‌گذریم!

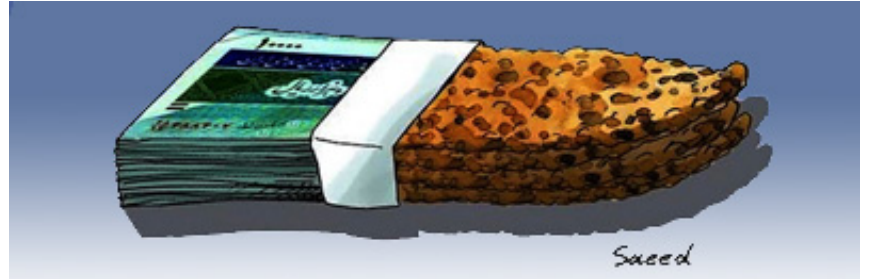
اینها نمونه‌هایی از شعارهایی بود که کارگران نفت در تجمعات اعتراضی شان اعلام کردند. این شعارها گویای خیلی چیزهاست؛ این عمر کارگران است که خرید و

اطلاعیه های حزب

رای ما مردم

در مقابل گرانی نان بایستیم!
حکومت مسئول تامین معیشت مردم است!

سرنگون سر جمهوری اسلام راست



این حرف کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، جوانان، مادران و خانواده های دادخواه، زندانیان سیاسی و همه مردم است. این حرف دل مادران آبان ۹۸ است که با اعلام رای مردم سرنگونی است حرف دل همه مردم را زدند. این حرف همه انسانها اعم از زن و مرد است که بیش از چهل سال تحت حاکمیت جمهوری اسلامی معیشت و منزلتشان به تباهی کشیده شده است. این پیام مردمی است که در خیزش ۹۶ با شعار اصولگرا، اصلاح گرا، دیگه تمومه ماجرا به خیابان آمدند و در آبانماه ۹۸ فریاد جمهوری اسلامی نابود باید گردد سر دادند.

مدت کوتاهی به مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی برای بیرون آوردن جنایتکاری دیگر از صندوق های مهندسی شده رای شان باقی نمانده است. با گفتمان رای ما مردم سرنگونی است، عزم جزم خود را برای پایان دادن به جهنم حکومت اسلامی اعلام کنیم. برای اینکار:

۱ - در و دیوار را از شعار رای مردم سرنگونی است فضای تمام شهرها را به فضای اعتراض علیه حکومت اسلامی و مضحکه انتخاباتش تبدیل کنیم.

۲ - همه تشکل های کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخشی های مختلف مردمی میتوانند با بیانیه های مشترک و اعتراضی خود کیفر خواست شان را علیه بیش از چهل سال جنایت این حکومت اعلام کرده و با فریاد رسای "رای ما مردم سرنگونی است" صدای اعتراض خود را جهانی کنند.

۳ - مدیای اجتماعی میتواند محل صف آرای قدرتمند جنبش سرنگونی طلب در مقابل جانیان اسلامی باشد.

۴ - کلیپ های کوتاه تهیه کنید و فریاد اعتراض تان را علیه بساط جهنمی حکومت اسلامی بلند کنید.

و در آخر اینکه تهیه گزارشات تصویری و صوتی و نوشتاری از ستادهای انتخاباتی در شهرهای مختلف و حوزه های مختلف و فضای شهرها فراموش نشود. بگذاریم بار دیگر تصویر شکست مقتضحانه حکومت در مضحکه دیگری از "انتخابات هایش" در برابر چشم جهانیان قرار گیرد.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. رای مردم ایران سرنگونی این حکومت است. جمهوری اسلامی باید بایکوت جهانی شود و تک تک سران آن بخاطر بیش از سال جنایت محاکمه شوند. این صدا را جهانی کنیم

حکومت را مجبور کرد تا با پرداخت سوبسید هزینه مواد غذایی مورد نیاز توده مردم را حداقل به یک پنجم قیمت فعلی کاهش دهد.

مبارزه برای تامین معیشت عرصه مهمی از تعرض به کل حکومت است. باید در هر فرصت و هر جا و به هر شکل ممکن، با اعتصاب و تجمع اعتراضی و سراسری کردن اعتراضات اجازه نداد حکومت به جان و زندگی مردم تعرض کند. میتوانیم و باید حکومت اسلامی را به عقب برانیم.

باید کاری کنیم که مقامات این حکومت به هر طرف نگاه میکنند با امواج خشم و نفرت و اعتراض مردم به دست درازی به سفره شان مواجه شوند. باید و میتوانیم حکومت اسلامی را در این تعرض بیشمارانه به نان و معیشت مردم عقب برانیم و مسیر پایان دادن به عمر نکبت بارش را هموار کنیم و برای همیشه این حکومت را از صحنه سیاسی جامعه جارو کنیم.

حزب کمونیست کارگری شما مردم را به اعتراضی متحد و سراسری در دفاع از معیشت و منزلت و علیه حکومت اسلامی فرامیخواند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ خرداد ۱۴۰۰، ۲۳ مه ۲۰۲۱

مجبور کرده است با شبیادی تمام فعلا گران کردن نان را به گردن نانویان بیاندازد و به این ترتیب مردم را در مقابل مردم قرار دهد! تورم و گرانی سرسام آور نتیجه مستقیم سیاستهای حکومت است. تحریمها و کاهش روز افزون ارزش ریال و دزدی و فساد و قاچاق و بازار سیاه باندهای مافیائی حکومتی که بر منابع ثروت و تولید جامعه چنگ انداخته اند مسبب تورم و گرانی کالاها از جمله نان و سایر اقلام معیشتی مورد نیاز توده مردم است.

باید با تمام قدرت در برابر گران شدن نان و سایر مایحتاج زندگی ایستاد. مردم حق دارند از تغذیه کافی با بالاترین استاندارد برخوردار شوند. کارگران و مردم در اعتراضات و اعتصابات شان با صدای بلند فریاد زده اند "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" تا اجازه ندهند حکومت معیشت و منزلتشان را لگدمال کند و عملا با این شعار اعلام کرده اند که دولت باید معیشت مردم را با استناداردی شایسته انسان تامین کند. دولت باید با پرداخت سوبسید کافی نه تنها به نان بلکه به همه مواد غذایی مورد نیاز مردم امکان دسترسی همه شهروندان به تغذیه مناسب را تامین کند. با بخشی از حقوقهای نجومی و پولی که خرج نهادهای مذهبی و گله های اسلامی و سرکوبگر در داخل کشور و در منطقه میشود میتوان به فلاکت عمومی پایان داد. در شرایطی که دستمزدها یک پنجم خط فقر است، باید

نان در خیلی از نقاط کشور از جمله تهران ۵۰ درصد و بعضی جاها حتی ۱۰۰ درصد گرانتر شده است. رئیس اتحادیه نانویان گفته است که "در خصوص افزایش قیمتها تصمیم گیری شده اما می گویند که قرار است فعلا مقدار افزایش نرخها را اعلام نکنیم!"

معیشت کارگران و اکثریت عظیم مردم همه روزه توسط جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار میگیرد. گرانی افسار گسیخته مواد غذایی مورد نیاز مردم، دستمزدهای پنج بار زیر خط فقر که بعضا ماهها پرداخت نمیشود، بیکاری گسترده و رو به افزایش، اکثریت مردم را به فقر فلاکت اقتصادی رانده است. به خاطر سیاستهای ضد انسانی حکومت و گرانی سرسام آور مدتهاست بسیاری از مواد غذایی اساسی از سید غذایی خیلی از مردم حذف شده اند. مردم محروم و تهیدست مدتهاست توان خرید گوشت و برنج و روغن و تخم مرغ و سبزی و میوه و سایر مواد غذایی اساسی مورد نیاز خود را ندارند و اکنون با گران شدن نان، اکثریت محروم جامعه عملا به مرگ از گرسنگی محکوم میشوند!

حکومت اسلامی تا کنون جرئت نکرده است رسماً گران شدن نان را اعلام کند. حکومت از بازگشت قدرتمندتر خیزش ۹۸، که اتفاقاً پاسخ کوبنده مردم به اعلام رسمی گرانی بنزین بود، نگران است. این نگرانی است که حکومت دزدان را

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

تلخیصی از اطلاعیه های شماره های ۸، ۹ و ۱۰ کمپین دفاع از برادران افکاری

در روز ۲۲ می روز جهانی دفاع از برادران افکاری مردم در ۱۳ شهر دنیا خواهان آزادی وحید و حبیب افکاری شدند!



از برادران افکاری دهها ویدئو کلیپ از فعالین داخل کشور و همچنین ساکنین خارج کشور در حمایت از وحید و حبیب افکاری و کلیه زندانیان سیاسی منتشر شده است که همگی بر یک خواست تاکید داشته اند: برادران افکاری و کلیه زندانیان سیاسی را آزاد کنید! همچنین یک روز پیش از آکسیون جهانی در دفاع از برادران افکاری به ابتکار این کارزار یا توسط این کارزار یا توسط فعالین این کارزار و همکاری گروههای دیگر در شبکه توئیتر یک حرکت نمادین اعتراضی با نزدیک به سی هزار توئییت و ریتوئییت در حمایت از این دو زندانی سیاسی و روز جهانی برای آزادی برادران افکاری براه افتاد.

همچنین در آستانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار و احتمال طرح اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی به عنوان یکی از فراخوان



افکاری در رسانه های فارسی و برقراری وسیعترین آزادیهای سیاسی در کشور هستند. روز جهانی دفاع از برادران

برگزار می شد حاکی از آن بود که مردم نه فقط مصمم هستند اسیران در بند خود را از چنگال جمهوری اسلامی برهانند بلکه خواستار

به دنبال تعیین روز ۲۲ می برابر با ۱ خرداد به عنوان روز حمایت از حبیب و وحید افکاری از سوی کمپین دفاع از برادران افکاری در شش کشور سوئد، انگلستان، دانمارک، آلمان، هلند و کانادا، در ۱۳ شهر یعنی استکهلم، لندن، کلن، فرانکفورت، مالمو، بوروس، آمستردام، اشتوتگارت، ووپرتال، هانوفر، تورنتو، ونکوور و کپنهاگ گروههای مختلفی از مردم با برگزاری میتینگ های اعتراضی، راه اندازی کاروان اتومبیل با پوستر و بنر اعتراضی و برپایی غرفه های اطلاع رسانی خواهان آزادی برادران افکاری شدند.

در این میتینگ ها و گردهمایی ها صدای دادخواهی حبیب و وحید افکاری و دیگر زندانیان سیاسی و خانواده های آنها طنین انداز شد و اجتماع کنندگان شعارهایی نظیر "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" و "زندانی سیاسی آزادی باید گردد" سر دادند.

شور و حال حاکم بر این تجمعات اعتراضی که علیرغم محدودیت های کرونایی و بعضا در هوای نامساعد

ادامه از صفحه ۱۴

مردم مبارز سنندج!

علیه حضور سلفی ها دست به ایجاد گروه های مقاومت بزنید!

بعد از ناکام شدن عربده کشی سلفی ها در محله دارسیران مریوان، اینبار سلفی ها در شهر سنندج به تعدادی از شهروندان حمله ور شده و یک نفر را زخمی کرده اند.

مردم شهر سنندج را فرا میخوانیم در مقابل حملات سلفی ها دست به مبارزه جمعی بزنند. شهر سنندج شهر ایجاد بنکة های محلات است. شهری با تجربه های اعتراضی و مبارزاتی و شهر درهم شکستن و ناکام کردن سلفی های مکتب قران! شهر سنندج شهر گروه های مقاومت است! علیه حضور سلفی ها باید ایستاد و اجازه ندهیم آنها با شعار الله اکبر و قمه بدست مزاحم زندگی مردم بشوند. ارازل سلفی را شناسایی کنید و گوشمالی بدهید!

زنان و جوانان و مردم محله دارسیران در یازده اردیبهشت راه را بشکل شفاف و عملی نشان داده اند. آنها در مبارزه علیه سلفی ها چنان سریع و سازمانیافته عمل کردند که سلفی ها و امام جمعه داعشی شهر مریوان به غلط کردن افتادند و مجبور به معذرتخواهی شدند.

در سنندج، سقز، مریوان و در سراسر کردستان، در همه شهرها و روستاها قمه کشان داعشی را که مزاحم زندگی، آرامش و تفریحات شما میشوند شناسایی کنید و آنها را سر جای خود بنشانید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ خرداد ۱۴۰۰، ۲۳ می ۲۰۲۱

به اشتراک گذاشتیم. بدست آوردن اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع بسیار ناراحت کننده خوب است و ما می توانیم این را در بحث های بعدی با وزیر کاگ (وزیر تجارت خارجی و همکاری های توسعه ای) در نظر بگیریم.

ما در سطح جهانی تلاش خواهیم کرد که با دیدار با نمایندگان دولتها، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمانهای شناخته شده مدافع حقوق بشر در سطح جهان از آنها بخواهیم که بطور متمرکز برای آزادی برادران افکاری تلاش کنند.

کمپین دفاع از برادران افکاری از همه مردم و سازمانها و احزاب و نهادهایی که از آکسیون جهانی ۲۲ می در دفاع از برادران افکاری حمایت کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می کند. مبارزه و کمپین ما برای آزادی برادران افکاری تا زمان آزادی این دو زندانی سیاسی و پایان دادن به وضعیت اسفبار آنها در زندان ادامه خواهد یافت.

کمپین دفاع از برادران افکاری:

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳ خرداد - ۱۴۰۰ ۲۶ می ۲۰۲۱

تلفن تماس:

شیوا محبوبی -
00447572356661

مینا احدی -
00491775692413

حسن صالحی -
0046703171102

اسناد و مدارک را بدقت مطالعه کنند و مواضع و درخواستهای ما را به اطلاع شخص وزیر امور خارجه سوئد خانم " آنه لینده" برسانند. مقامات سوئدی قول دادند که در باره وضعیت زندانیان سیاسی و همچنین فعالین سیاسی و اجتماعی که توسط جمهوری اسلامی ایران مورد پیگرد و اذیت و آزار قرار می گیرند از طریق سفارتخانه خود در ایران و همچنین اتحادیه اروپا به فشارهای خود بر جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق شهروندان ایران ادامه دهند. هیئت ما از مقامات سوئدی درخواست کرد که عموم را از نتیجه فعالیت های خود مطلع سازند.

یکی از مواردی که در این دیدار بطور مشخص به آن اشاره شد وضعیت احمدرضا جلالی پژوهشگر ایرانی تبعه سوئد بود که به اتهام دروغین جاسوسی به اعدام محکوم شده است. مقامات سوئدی تاکید کردند که با خانواده ایشان در سوئد تماس مستقیم دارند و خدمات کنسولی لازم را در این زمینه ارائه می دهند.

حزب پارلمانی

کارگر در هلند

پرونده برادران

افکاری را دنبال می

کند

بدنبال تلاشهای پریسا پوینده مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، حزب پارلمانی کارگر در هلند نسبت به نامه کمپین ما در دفاع از برادران افکاری واکنش نشان داد.

مشاور سیاسی حزب کارگر هلند در پارلمان هلند در جواب به ایمیل پریسا پوینده و نامه انگلیسی کمپین برادران افکاری نوشت: " من این ایمیل را با کتی پیری، سخنگوی خارجی ما

دهندگان کمپین برای آزادی برادران افکاری با ارسال نامه ای از قتل نوید افکاری و همچنین رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی با برادران افکاری به عنوان نمونه هایی یاد شده است که امر بایکوت و بیرون انداختن جمهوری اسلامی از مجامع جهانی را هر چه بیشتر به عنوان یک امر عاجل تاکید می کند.

دیدار با مقامات

وزارت امور خارجه

سوئد: جمهوری

اسلامی را بایکوت

کنید!

روز ۲۱ می هیئتی مرکب از ضرغام اسدی، هرمز رها و حسن صالحی با دو تن از مقامات مسئول وزارت امور خارجه سوئد Petra An- Martin Walenting و dersson که مسئولیت کشورهای حوزه آفریقا و خاورمیانه را برعهده دارند دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدای این دیدار ضرغام اسدی ضمن تشکر از مقامات سوئدی سخنان جامع و کاملی درباره مواضع اصولی و دلایل ما مبنی بر بایکوت جمهوری اسلامی ایراد کرد. سپس این هیئت اسناد و مدارک متعددی درباره وضعیت بسیار نابسامان زندانیان سیاسی و از جمله نامه ای که کمپین ما در حمایت از برادران افکاری نوشته است، نامه کارزار دفاع از زندانیان سیاسی که بیش از ۵۰۰۰ نفر آنرا امضا کرده اند، نامه در دفاع از اسماعیل عبدی که خانواده آنها در اختیار ما گذاشته و خواسته بودند که تحویل مقامات سوئدی بدهیم، و همچنین اسناد مربوط به کمپین بایکوت جمهوری اسلامی به زبانهای انگلیسی و سوئدی را در اختیار مقامات سوئدی گذاشت.

هیئت دیدار کننده از مقامات سوئدی خواستند که این

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵

تلخیصی از اطلاعیه های حزب در باره مبارزات کارگران نفت

۵ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در تهران و چندین شهر برگزار شد



حمایت کارگران غیر رسمی نفت از فراخوان کارگران رسمی نفت به تجمع

تجمع: ساعت ۱۰ صبح ۵ خرداد در شهرهای تهران، اهواز و عسلویه کارگران رسمی نفت طی بیانیه ای برای ساعت ده صبح روز پنجم خرداد در سه شهر تهران، اهواز و عسلویه فراخوان به تجمع داده اند. ده ها هزار کارگر نفت در این سه شهر مشغول بکار هستند. بدنبال این فراخوان کارگران غیر رسمی نفت طی بیانیه ای حمایت و پشتیبانی خود را از فراخوان همکاران رسمی خود و خواستهها و مطالبات آنها اعلام داشته اند. در این بیانیه کارگران غیر رسمی نفت همچنین بر خواستههای مشترک تمامی کارگران نفت و مطالبات فوری خود تاکید کرده اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۵ خرداد ۱۴۰۰، ۲۶ مه ۲۰۲۱

دراز مدت برای آنان از جمله خطر نشت گازهای سمی و انفجارهای مهیب و کار در مراکز دریایی و سوق الجیشی، صدای گوش خراش و قراردادشستن شبانه روزی در مدار تولید و عدم امکان استراحت در فاصله های شیفت کاری و مشکلات روحی و جسمی برای آنان، محروم بودن از فضای شهری و امکانات رفاهی آن بدلیل کار دائم در سکوهای نفتی دریایی و تأثیرات مستقیم خود و خانواده هایشان، عدم تناسب سطح حقوقها با افزایش سرسام آور نرخ تورم و شرایط بسیار دشوار کاری آنها و تحمیل مالیات های سنگین به آنان از جمله موارد مورد اشاره در بیانیه اعتراضی این کارگران بود. کارگران در بیانیه خود اعلام کرده اند که اگر اقدامی نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

روز ۲۵ اردیبهشت نیروهای پیمانکاری وزارت نفت به نمایندگی از این بخش از کارگران در اعتراض به استخدام های موقت و پیمانی و با خواست استخدام رسمی مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند.

رسمی خود اعلام کردند.

خواستهها و مطالبات اساسی کارگران نفت این بخش کلیدی کارگری خواستهها و مطالبات همه کارگران است و از مبارزات آنها باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

اخباری از اعتراضات گسترده در میان کارگران رسمی و پیمانی نفت

روز جمعه ۳۱ اردیبهشت ماه کارکنان عملیاتی سکوهای دریایی شرکت نفت و گاز پارس POGC که در برگیرنده ۳۰ سکوی عملیاتی است، در اعتراض به قانون سقف دستمزد برای سال ۱۴۰۰ و نحوه افزایشات عمومی مزدی در محل سکوی عملیات دریایی تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان طی بیانیه ای بر خواستهها و موارد اعتراضی خود تاکید کردند. سختی شرایط کار و خطرات جانی کار در این سکوها و در پی داشتن مشکلات جسمی

قابل توجهی از کارگران رسمی تجمع اعتراضی برپا کردند و از خواستهها و مطالباتشان سخن گفتند.

همچنین کارکنان مجتمع گاز و پیمانکاری سازمان منطقه ویژه پارس در اعتراض به مشکلات معیشتی، حقوق و دستمزد و نحوه افزایش سطح دستمزدها در سال ۱۴۰۰ تجمع کرده و با شعار دادن فریاد اعتراضشان را بلند کردند. در این تجمع کارگران پیمانی نیز شرکت داشتند.

در آبادان: جمعی از کارکنان رسمی نفت پالایشگاه آبادان در محوطه شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

در منطقه نفتی بهرگان کارگران رسمی نفت و تاسیسات فراورش گاز هنگام، تجمع کردند.

لازم به یادآور است که کارگران غیر رسمی نفت نیز طی بیانیه ای با تاکید بر مطالبات خود از جمله کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین ویژه اقتصادی و افزایش حقوق ها به بالای ۱۲ میلیون، حمایت و پشتیبانی خود را از همکاران

ساعت ده صبح روز چهارشنبه پنجم خرداد جمعی از کارکنان رسمی شرکت نفت بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به نحوه افزایش حقوقهای سال ۱۴۰۰ و عدم تناسب آن با افزایش سرسام آور نرخ تورم مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. این کارگران از نقاط مختلف کشور به نمایندگی از همکارانشان به تهران آمده و مقابل مجلس تجمع کردند. کارگران رسمی نفت علاوه بر تهران در چندین شهر دیگر نیز تجمع داشتند:

در اهواز کارگران رسمی مقابل درب شماره ۳ مجموعه مناطق نفت خیز جنوب تجمع کرده و سپس دست به راهپیمایی زدند.

در ماهشهر: جمعی از کارکنان رسمی سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر به اعتراض علیه افزایش صفر درصدی حقوقها پیوستند و تجمع کردند.

در گچساران کارگران معترض رسمی نفت در محوطه شرکت تجمع داشتند.

در عسلویه در این روز شمار

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۶

کارگران نیشکر هفت تپه: اگر حق آبه تامین نشود جمعی اعتراض میکنند

حمایت ۳۳۶ وکیل دادگستری از فرزانه زیلابی

ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در بدعتی جدید قرار نظارت قضایی مبنی بر منع اشتغال به وکالت صادر کرده است! در بخش آخر این نامه امضا کنندگان این نامه خواستار نقض قرار منع وکالت فرزانه زیلابی شده اند و در آن چنین آمده است: «بر این اساس و به جهت رعایت حقوق شهروندان و شجاعت و استقلال در دفاع از موکلین و تحذیر از انجام اقدامات غیرقانونی و فشار بر وکلای دادگستری، خواهان نقض این قرار غیرقانونی هستیم.»

پیش بسوی اعتصابات
سراسری

حزب کمونیست کارگری
ایران
۴ خرداد ۱۴۰۰، ۲۵ مه ۲۰۲۱

دادگستری به این پرونده سازی و منع اشتغال وی اعلام اعتراض کرده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «متأسفانه باخبر شدیم که برای همکار محترم مان وکیل شریف، خانم فرزانه زیلابی در دادرسی انقلاب اهواز پرونده ای تشکیل و پنج اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و به نفع گروه های معاند، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، عضویت در گروه های معاند و توهین به رهبری به ایشان وارد شده است. این اتهامات ناشی از دفاع همه جانبه و با قدرت وی از تعداد زیادی از کارگران شریف هفت تپه بوده است. وظیفه وکیل دادگستری دفاع از موکلین خویش بوده و در این راه، هیچ نهادی شایسته تاثیر بر دفاع او نیست. تاسف برانگیزتر اینکه بازپرس محترم پرونده، با استناد به

که هنوز سرکار هستی باید آب شرکت را تامین کنی.

کارگران نیشکر هفت تپه همچنین اولتیماتوم داده اند که اگر تا چند روز دیگر مساله حق آبه حل نشود، تجمعات اعتراضی شان را از سر خواهند گرفت.

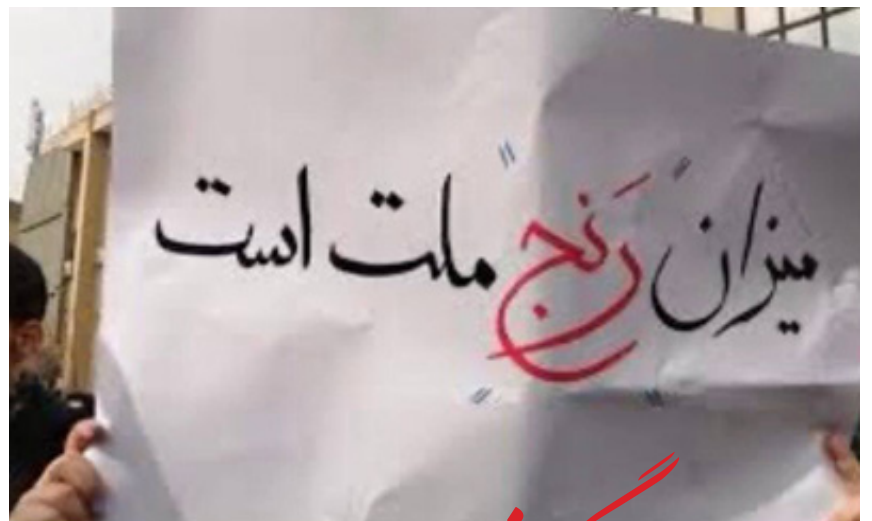
یک موضوع دیگر اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه پرونده سازیها علیه کارگران و مشخصا علیه وکیل کارگران فرزانه زیلابی است. خواست فوری کارگران بسته شدن تمام پرونده های امنیتی است. کارگران نیشکر هفت تپه در جشن خلع ید خود حمایت همه جانبه خود را از فرزانه زیلابی اعلام کرده و همچنین خواستار آزادی سپیده قلیان از حامیان اعتراضاتشان شدند. اعتراض علیه پرونده سازی علیه فرزانه زیلابی گسترده است و ۳۳۶ وکیل

کارهای امنیتی میکنند و زدن اتهامات سنگین به آنان، در عین حال میخواهد که به این شرکت آب داده شود. او با این کار مشغول پرونده سازی امنیتی علیه کارگران است. در پاسخ به این نامه کارگران خود وی، اسدیگی و وزارت اطلاعات و کل دولت، قوه قضاییه و منتظری که نامه آمیلی خطاب به آنهاست و کل مدیریت و سیستم اقتصادی اجتماعی، سیاسی را عامل امنیتی کردن شرکت اعلام کرده و بر خواستهایشان تاکید کرده اند. کارگران همچنین در پاسخ خود به آمیلی و دستگاههای امنیتی از ریاکاری و دو دوزه بازی آنها پرده برداشته و میگویند شما از طرفی برای آب دادن به شرکت نامه میدهی و از طرفی با هماهنگی با دشتکی استاندار برای خشک نگاه داشتن هفت تپه تبانی میکنی. و خطاب به او میگویند اکنون

بدنبال پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید از اسد بیگی، دسیسه ها علیه این کارگران از سوی حکومتیان و دارو دسته اسد بیگی ادامه دارد. بنا بر آخرین خبرها ۱۰ روزی است که نیروهای سرکوبگر یگان ویژه اهواز به دستور استاندار و توصیه آمیلی در باشگاه ورزشی شرکت حضور پیدا کرده اند و فضایی امنیتی را تلاش دارند بر شرکت حاکم کنند. یک خواست فوری کارگران خروج آنان از شرکت است.

یک اقدام ضد کارگری دیگر آنها کاهش حق آبه کشت های نیشکر هفت تپه است. زیر فشار اعتراضات کارگران آمیلی این عامل بخش خصوصی و مامور مخصوص دستگاه های امنیتی حکومت در هفت تپه طی نامه ای به وزارت نیرو تحت عنوان اینکه کارگران هفت تپه

تنور انتخابات لوباشرریم سرد است
تنور اعتراضات مردم هر روز داغتر میشود!



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

رای ما سرنگون است